

کتاب

شرح حدیث

إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا

حاوی احادیث و حکایات در رابطه با حق متقابل فرزند و پدر

تهیه کننده : حجة الاسلام سید محمد باقری پور

در مؤسسه فرهنگی هدایت

www.hedayat.tv

شرح حدیث إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا

قال الامام على عليه السلام: إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا. فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ وَحَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ. (نهج البلاغه حکمت ۳۹۹) امام عليه السلام فرمود: فرزند بر پدر حقی دارد و پدر را نیز بر فرزند حقی است. حق پدر بر فرزندان این است که در همه چیز جز در معصیت خداوند سبحان از او اطاعت کنند و حق فرزند بر پدر این است که نام نیک بر او بگذارد و او را به خوبی ادب آموزد (و تربیت کند) و قرآن را به او تعلیم دهد.

حقوق متقابل پدر و فرزند

قال الامام على عليه السلام: إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا... امام (عليه السلام) در این گفتار حکیمانه به بخشی از حقوق پدران بر فرزندان و حقوق فرزندان بر پدران اشاره می کند. برای حق پدر بر فرزند، تنها يك مورد را بیان می فرماید و برای حق فرزند بر پدر سه مورد، می فرماید: «فرزند را بر پدر حقی است و پدر را نیز بر فرزند حقی»؛ (إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا). سپس در مورد حق پدر بر فرزند چنین می فرماید: «حق پدر بر فرزندان این است که در همه چیز جز در معصیت خداوند سبحان از وی اطاعت کنند»؛ (فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ). ظاهر این است که حقی را که امام (عليه السلام) به این گسترده‌گی درباره پدران فرموده اعم از واجب و مستحب است و به تعبیر دیگر، در مواردی اطاعت واجب است و آن جایی است که اگر ترك کند سبب اذیت و آزار می شود و منجر به عقوق پدر می گردد اما مواردی هست که اگر اطاعت نکند پدر اذیت نمی شود. در این جا مستحب است که فرزند به امر پدر احترام بگذارد و اطاعت کند. البته گاهی مسائل سرنوشت سازی است که اگر پسر بخواهد از پدر اطاعت کند گرفتار خسارت عظیمی می شود هرچند داخل در عنوان معصیت نیست. مثلاً پدر از عروس خود ناراحت باشد و به فرزند دستور دهد که همسرت را طلاق بده و یا این که پسر تجارت پرسودی با شریکی دارد و پدر از شريك ناراحت باشد و به پسر بگوید که به شراکت خود خاتمه بده. در این

گونه موارد دلیلی بر وجوب اطاعت پدر هرچند معصیت خدا نیست، نداریم. زیرا اطلاعات ادله از این گونه مصادیق منصرف است و بیشتر ناظر به احترام پدر در مسائل مورد نیاز او یا مرتبط با اوست. البته مسأله احترام به پدر و برخورد خاضعانه و متواضعانه با او و مصاحبت به معروف هرچند مسلمان نباشد مسأله جداگانه ای است که در آیات قرآن به آن اشاره شده است آن جا که می فرماید: «وَإِنْ أَحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»؛ و بال های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آن ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!»، و در سوره لقمان می فرماید: «وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا»؛ و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو در دنیا به طرز شایسته ای رفتار کن». این آیات و مانند آن که در قرآن مجید آمده به خوبی نشان می دهد که تا چه حد حق پدر و مادر زیاد است و تا چه اندازه احترام آن ها بر فرزندان لازم می باشد.

سپس امام (علیه السلام) به سراغ حقوق سه گانه فرزند بر پدر رفته، می فرماید: «و حق فرزند بر پدر آن است که نام نیک بر او نهد و ادب و تربیتش را به خوبی انجام دهد و قرآن را به او بیاموزد»؛ (و حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يَعْلِّمَهُ الْقُرْآنَ). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يَعْلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَ يَزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ. سه حق از حقوقی که فرزند به گردن پدر دارد این است که: نام خوبی برایش انتخاب کند. نوشتن یادش دهد. پس از بلوغ زمینه ازدواج او را فراهم کند. (وسائل الشیعه - جلد ۱۵ - ص ۲۰۰)

لزوم اطاعت از والدین در آیات و روایات

فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ...

خداوند متعال، در چند آیه لزوم اطاعت از والدین را پس از دعوت به عبادت خود، قرار میدهد: وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ

رَبِّ اِزْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا. «سوره اسراء ۲۴» و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو! و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!»

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُحُورًا. «سوره نساء ۳۶» و خدا را پرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می زند)، دوست نمی دارد.

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. «سوره انعام ۱۵۱» بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید!

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ. «سوره بقره ۸۳» و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم نیک بگویید؛ نماز را برپا دارید؛ و زکات بدهید. سپس (با اینکه پیمان

بسته بودید) همه شما - جز عده کمی - سربچی کردید؛ و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید.

در این آیات، اطاعت از والدین، همراه و بلافاصله بعد از دعوت به توحید آمده است. از این آیات استفاده می شود که بعد از خداوند، پدر و مادر، بزرگترین حق را بر گردن فرزندان دارند. خداوند متعال، خالق و آفریدگار انسان است و شکر و اطاعت او به منزله ادای حق پروردگار است. پدر و مادر نیز که مجرای این خلقت بوده اند و زحمات زیادی در تربیت فرزند کشیده اند باید مورد سپاس و اطاعت قرار گیرند.

شخصی از امام صادق علیه السلام در مورد آیه: «وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» سؤال کرد که معنای این احسان به پدر و مادر چیست. حضرت فرمود: احسان، آن است که آنها را وادار نسازی که نیازها و حوائج خویش را از تو درخواست کنند.

مرحوم طبرسی در ذیل تفسیر آیه «إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ» می فرماید که اگر اطاعت از والدین در هر حال، اعم از حال پیری یا میانسالی، واجب و ضروری است، پس چرا خداوند در آیه، شرط کهولت را ذکر نموده است. (مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۰۹) ایشان در جوابی می فرماید: نیاز والدین در این حال و شرایط، بیشتر از ایام دیگر است؛ چون آنها در آن سن، ضعیف شده اند و تدریجاً به همان حالت نیازمندی و احتیاج می رسند که فرزند در زمان طفولیت به آن دچار بوده و علاوه بر این، انسان در این سن و سال، دارای روحی حساس و رنجور می شود. والدین در زمان پیری، قویترین نیروی تحکیم و تشدید روابط عاطفی و پیوندهای روحی و تربیتی در کانون خانواده اند و وجود آنان، گرمابخش محیط خانواده است.

اویس قرنی، آن یار باوفای پیامبر صلی الله علیه و آله برای جلب رضای مادر و اطاعت او بدون دیدار با پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه به سوی وطن خود بازگشت؛ تنها برای به دست آوردن دل مادرش تا رضایت او را جلب کند. گویند که اویس، شتربانی می کرد و از اجرت آن، مادرش را اداره می کرد. وقتی از مادرش اجازه گرفت که به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه مشرف شود، مادرش گفت که رخصت می دهم، به شرط آنکه بیشتر از نیم روز توقف نکنی. اویس به مدینه سفر کرد. چون به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، اتفاقاً در آن روز، پیامبر خانه نبود. اویس نیز به یمن مراجعت کرد.

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه مراجعت کرد، فرمود: «این نور کیست که در این خانه می بینم؟». گفتند: «شتربانی که اویس نام داشت». فرمود: اویس این نور را در خانه ما به هدیه گذاشت و رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله درباره اویس می فرمود: انی لاشم روح الرحمن من طرف الیمن. «انی اشم رائحة الرحمان من طرف الیمن» (منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۴۲) ایضاً از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده: «تَفُوحُ رَوَائِحُ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ وَ شَوْقَاهُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسُ الْقُرْنِي» (بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۵۵) بوی خوش و رایحه های بهشت از سوی قرن منتشر می شود. ای اویس قرنی! چقدر به دیدار تو مشتاقم!». یا در سخنی دیگر، استشمام نفس رحمان را از یمن خبر می دهد: «قَالَ إِنْ لِي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ إِشَارَةً إِلَيْهِ» (مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ورام بن ابی فراس، قم، مکتبه الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۴) من، نفس رحمان را از طرف یمن استشمام می کنم».

امام صادق علیه السلام می فرماید: أتى رجل رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: «يا رسول الله! إننى راغب فى الجهاد نشيط»، قال: فقال له النبى صلى الله عليه وآله: فجاهد فى سبيل الله فانك ان تقتل تكن حياً عندالله ترزق و ان تمت فقد وقع أجرک على الله و ان رجعت، رجعت من الذنوب كما ولدت»، قال: «يا رسول الله! ان لى والدين كبيرين يزعمان انهما يأنسان بى و يكرهان خروجى»، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: فقر مع والديک فوالذى نفسى بيده لأنسهما بک يوماً و ليلة خير من جهاد سنة. (اصول کافی، ج ۲ (باب البر بالوالدين)؛ و به همین مضمون ر. ک: حدیث بیستم همان باب) در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مردی به حضور آن حضرت شرفیاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا! علاقه دارم در جهاد شرکت کنم». پیامبر صلی الله علیه و آله هم او را به امر خیر تشویق نمود، تا اینکه آن مرد عرض کرد: یا رسول الله! من پدر و مادر پیری دارم که از رفتن من به جبهه کراهت دارند». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در این صورت، ملازم پدر و مادرت باش. سوگند به آن خدایی که جانم در دست اوست، بودن یک شبانه روز با آنها از جهاد یک سال بهتر است. در این زمینه پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: بر الوالدين یجزنى عن الجهاد. (نهج الفصاحه، ج ۱۰۸۶) نیکی به پدر و مادر، جای جهاد رامی گیرد.

مردی مسیحی بعد از قبول اسلام، خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد که پدر و مادرم مسیحی هستند و مادرم نابیناست. حضرت او را به احسان و نیکی بیشتر به آنان سفارش کرد. او نیز به نیکی با آنان رفتار می کرد، آنچنان که خودش به مادرش غذا می داد و لباس او را مرتب می کرد. مادرش هم که تغییر رفتار او را مشاهده کرد، تحویل روحی در وجودش پیدا شد و با اقرار به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آورد. (اصول کافی، ج ۲ (باب البرّ بالوالدین)، ص ۱۶)

انسان باید با شیوه ای نیکو با پدر و مادرش برخورد کند و به گونه ای در مقابل آنها سخن بگوید که گویا یک گناهکار و متخلف با مولای خود گفتگو می کند و حتی اگر از جانب آنان با تندخویی مواجه شود، باز هم نباید متانت و نزاکت خود را از دست بدهد. از امام صادق علیه السلام روایت است که در تفسیر آیه «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» فرمود: یعنی اگر تورا زدند، بگو خدا شما را بیامرزد. «این است سخن شریف تو». (اصول کافی، ج ۲ (باب البرّ بالوالدین)، ص ۱۶)

رعایت احترام والدین، هیچ حدّ و مرزی نمی شناسد. لذا باید مواظب باشیم که از محدوده طاعت و تواضع در برابر والدین، خارج نشویم. باید در جمیع ابعاد رفتاری و اخلاقی خود، نهایت تواضع را در پیش آنها داشته باشیم.

مرحوم آیه الله دستغیب در کتاب سرای دیگر در تفسیر سوره واقعه، داستانی را نقل می کند که حضرت یوسف علیه السلام وقتی عزیز مصر بود، از پدرش یعقوب علیه السلام و برادرانش دعوت نمود که به مصر بیایند. حضرت یعقوب را در محملی نشانیدند و نزد یوسف آوردند. یوسف هم برای تشریفات، استقبالی را تدارک دید و با جمعی از بزرگان مصر به پیشواز پدر و برادرانش آمد تا وقتی که به یکدیگر نزدیک شدند در اینجا یوسف ملاحظه سلطنت ظاهری خود نمود و رعایت احترام پدرش را نکرد و از مرکب پیاده نشد، اینجا بود که ترک اولی کرد، جبرئیل بر او نازل شد و گفت کف دستت را نگاه کن دید نوری از دستش بیرون رفت جبرئیل گفت به واسطه این عمل تو نور نبوّت از نسل تو خارج شد. و لذا از نسل یوسف کسی پیغمبر نشد. خداوند می فرماید: وَقُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمْ. با دقت در این فرمایش الهی انسان نباید پیوستگی خود را با پدر و مادر سست گرداند و همواره به یاد زحمات و مشقات آنان در جهت پرورش خود باشد.

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: عَلَیْكَ بِطَاعَةِ الْآبِ وَ بِرِّهِ وَ التَّوَاضُّعِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْإِعْظَامِ وَ الْإِكْرَامِ لَهُ وَ خَفْضِ الصَّوْتِ بِحَضْرَتِهِ؛ بر تو باد به اطاعت از پدر، و نیکی به او و تواضع و خضوع و بزرگداشت و تکریم او، و آهسته سخن گفتن در محضر او (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام؛ ص ۳۳۴)

عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَا يَحْجُبُونَ عَنِ النَّارِ الْعَاقُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ الْمُدْمِنُ لِلْخُمْرِ وَ الْمَانُ بِعَطَائِهِ قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا عَقُوقُ الْوَالِدَيْنِ قَالَ يَأْمُرَانِ فَلَا يُطِيعُهُمَا؛ (جامع الاحادیث شیعه، ج ۲۶، ص ۹۲۰)

قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الْوَالِدِ؟ قَالَ أَنْ تُطِيعَهُ مَا عَاشَ فَقِيلَ وَ مَا حَقُّ الْوَالِدِ فَقَالَ هِيَهَاتَ هِيَهَاتَ لَوْ أَنَّهُ عَدَدَ رَمْلٍ عَالِجٍ وَ قَطْرٍ أَمْطَرَ أَيَّامَ الدُّنْيَا قَامَ بَيْنَ يَدَيْهَا مَا عَدَلَ ذَلِكَ يَوْمَ حَمَلَتْهُ فِي بَطْنِهَا؛ به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرض شد: ای رسول خدا! حق پدر چیست؟ حضرت فرمود: اینکه تا زنده است، از او اطاعت کنی. سؤال شد: حق مادر چیست؟ حضرت فرمود: هیهات، هیهات (که کسی به حق مادر برسد)! اگر کسی به تعداد ریگ بیابان و ریگزار و به اندازه قطره های باران در همه عمر دنیا در برابر مادرش بایستد (و خدمت کند)، معادل یک روز بارداری مادر و حمل فرزند در شکم نمی شود» (جامع الاحادیث شیعه، ج ۲۶، ص ۹۲۰)

عن ابی جعفر علیه السلام قال: ثلاث لم يجعل الله لاحد فيهنّ رخصة؛ اداء الامانة الى البرّ و الفاجر، و الوفاء بالعهد للبر و الفاجر، و برّ الوالدين برّين كانا أو فاجرين؛ (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۹۳، ح ۳) امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند در سه چیز به احدی اجازه تخلف نداده است: ادای امانت به نیک و فاسق، وفا کردن به عهد نیک و فاسق و نیکی کردن به والدین چه نیک باشند و چه فاسق.

منصور بن حازم عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قلت: ایّ الاعمال افضل؟ قال: الصلاة لوقتها و برّ الوالدين و الجهاد فی سبیل الله؛ (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۹۲، ح ۲) منصور بن حازم گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کدام یک از کارها برتر است؟ حضرت فرمود: ادای نماز در وقت آن، نیکی به والدین و جهاد در راه خدا. روایت محمد بن مروان از امام صادق علیه السلام: ان رجلاً أتى النبی صلی الله علیه و آله فقال: أوصنی، قال: لا تشرك بالله شیئاً و ان أُحْرِقْتَ بالنار و عَذَّبْتَ الا و قلبك مطمئن

بالایمان، و والدیک فاطعهما، و برهما حیین کانا او میتین، و ان امراک ان تخرج من اهلك و مالک فافعل، فان ذلك من الايمان؛ (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۹۲، ح ۴) مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله رسید و عرض کرد: مرا توصیه کن! حضرت فرمود: هیچ به خداوند شرک موز، گرچه با آتش سوزانده شوی و شکنجه گردی، مگر این که (بر زبانت شرک جاری شود) در حالی که دلت به ایمان اطمینان دارد. و والدین خود را اطاعت کن و به آنان نیکی نما، چه زنده باشند و چه مرده. و اگر به تو دستور بیرون رفتن از اهل و مالت دادند، چنین کن که این از ایمان است.

روایتی از امام صادق علیه السلام در تحف العقول نقل شده: يجب للوالدين على الولد ثلاثة اشياء: شكرهما على كل حال و طاعتهما فيما يأمرانه و ينهيانه عنه في غير معصية الله و نصيحتهما في السرّ و العلانية؛ (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۲) در حق والدین، سه چیز بر فرزند واجب است: در هر حال آنان را شکر و سپاس گوید، از امر و نهی آنان در غیر از معصیت خداوند، اطاعت کند، در نهان و آشکار، خیرخواه آنان باشد.

امام سجاد (علیه السلام) در دعای بیست و چهارم صحیفه پس از درد و صلوات بر محمد (ص) و خاندان پاکش در ابتدای دعا در حق پدر و مادر خویش، با بیانی شیوا و دلنشین از خداوند درخواست می کند که ایشان را نسبت به والدین خویش مطیع و فرمانبردار قرار دهد: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ اَهْلًا لِّهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ وَ اَبُوهُمَا يَوْمَ الْاَمِّ الرَّوُوفِ، وَ اجْعَلْ طَاعَتِيْ لَوَالِدَيَّ وَ بَرِيْ بِهِمَا اَقْرَبَ لِعَيْنِيْ مِنْ وَقْدِ الْوَسْنَانِ، وَ اَثْلَجْ لِّصَدْرِيْ مِنْ شَوْبِهِ الظُّمَانِ حَتَّى اَوْثِرَ عَلَيَّ هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَ اَقْدَمَ عَلَيَّ رِضَايَ رِضَاهُمَا، وَ اُسْتَكْتَرْ بِرَبِّهِمَا بِيْ وَ اِنْ قَلَّ وَ اُسْتَقِلَّ بِرِيْ بِهِمَا وَ اِنْ كَثُرَ؛ خدایا چنان کن که هیبت پدر و مادر در دل من چون هیبت پادشاهی خود کام قرار گیرد؛ اما من با آن ها مانند مادر مهربان باشم. خدایا طاعت پدر و مادر و نیکی به آن ها برای من مطبوع تر گردان از خواب در دیده خسته و گوارتر از آب سرد در گام تشنه؛ چنان که خواهش دل آن ها بر خواهش دل خود مقدم گردانم و پسند خاطر آنان را بر پسند خاطر خود بگزینم و نیکی آن ها را درباره خود گرچه اندک باشد بسیار شمارم و نیکی خود را درباره آن ها اگرچه بسیار باشد اندک ببینم. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۱۸)

امام زین العابدین علیه السلام در رساله حقوق: «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمَ أَيْتَهُ مِنْكَ وَ مُضَافَ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَيْتَكَ مَسْئُولَ عَمَّا وُلِّيَتْهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ إِلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُنَّابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلُ الْمُتَزَيِّنِ يَحْسُنْ أَيْتُهُ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَذَّرُ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . اما حَقُّ فرزندت این است که بدانی او از تو است و در نیک و بد این جهان منسوب به تو است؛ و تو به حکم ولایتی که بر او داری نسبت به تربیت صحیح و آموختن آداب نیکو و راهنمایی و شناساندن ذات خداوند یکتا و کمک در اطاعت و پیروی از او مسؤولی؛ باید درباره او همانند کسی رفتار کنی که می دانی در نیکی به وی اجروپاداش است و در بدی وزشتی به او کیفرو عقاب . پس در امر دنیای او چنان بکوش که اثری آفریده ای و اینک آن را به زیباییها می آرای؛ و در امر آخرتش آن گونه تلاش کن که نزد پروردگارت سرافکننده نباشی و عذری داشته باشی. (تحف العقول ص ۲۶۳)

الآباء ثلاثة: أبٌ ولدك، و أبٌ زوجك، و أبٌ علمك .

قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله و سلم: «الآباء ثلاثة: أبٌ ولدك، و أبٌ زوجك، و أبٌ علمك». (تحرير المواعظ العددية ص ۲۴۷) انسان سه تا پدر دارد: ۱. پدری که باعث به وجود آمدن او شده، ۲. پدری که دخترش را به عقد او در می آورد، ۳. پدری که به او علم می آموزد . در معنای «أب» گفته شده، هر کسی که سبب پیدایش، اصلاح یا پیرایش و ظهور چیزی شود، آن را «أب» می گویند. (المفردات، تحقیق: صفوان عدنان، داود، ص ۵۷)

رابطه أب با معلم و پدر همسر

با توجه به معنای لغوی «أب» رابطه این واژه با معلم و پدر همسر نیز روشن می شود؛ زیرا همان طور که پدر (نسبی) در رشد جسمی و روحی فرزندان دخیل است، معلم و پدر همسر نیز در رشد روحی و شخصیتی افراد نقش بسزایی دارند. دیدگاه محمدمهدی نراقی: ملا محمدمهدی نراقی ذیل سخن مطرح در پرسش می گوید: برترین شان معلم است، از ذوالقرنین پرسیده شد: پدرت را بیش تر دوست داری یا معلمت را؟ گفت: معلم؛ زیرا معلم سبب زندگی معنوی و اخروی است، اما پدر تنها سبب زندگی مادی و دنیوی است. (جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۴۰ و ۱۴۱)

حدومرز اطاعت از پدرومادر

قرآن کریم در باب حد و مرز اطاعت والدین می‌فرماید: وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند ولی اگر آنها با تو درکوشند تا چیزی را که بدان علم نداری با من شریک گردانی از ایشان اطاعت مکن سرانجامتان به سوی من است و شما را از [حقیقت] آنچه انجام می‌دادید باخبر خواهیم کرد. (عنکبوت/۸).

در مناقب آمده که روزی امام حسین (علیه السلام) به عبد الرحمن بن عمرو بن عاص گذشت، پس عبد الرحمن گفت: هر که می‌خواهد به مردی نظر کند که محبوبترین اهل زمین است نزد اهل آسمان، به این شخص نظر کند، که دارد می‌گذرد، هر چند که من بعد از جنگ صفین تا کنون با او هم‌کلام نشده‌ام. پس ابو سعید خدری او را نزد آن جناب آورد، امام حسین (علیه السلام) به او فرمود: آیا می‌دانستی که من محبوبترین اهل زمین نزد اهل آسمانم، و با این حال در صفین شمشیر به روی من و پدرم کشیدی؟ به خدا سوگند پدر من بهتر از من بود، پس عبد الرحمن عذر خواهی کرد و گفت: آخر چه کنم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به خود من سفارش فرمود که پدرت را اطاعت کن، حضرت فرمود: مگر کلام خدای را نشنیدی که فرمود: "وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا" (سوره لقمان؛ آیه ۱۵) و نیز مگر از رسول خدا (ص) نشنیده‌ای که فرمود: اطاعت (پدر و مادر و یا هر کس که اطاعتش واجب است) باید که معروف باشد، و اطاعتی که نافرمانی خدا است معروف و پسندیده نیست، و نیز مگر نشنیده‌ای که هیچ مخلوقی در نافرمانی خدا نباید اطاعت شود (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۲۸).

لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق (نهج البلاغه) (شیخ محمد عبده)، حکمت (۱۶۵).

طاعت هیچ آفریده‌ای از رهگذر نافرمانی آفریدگار، معقول و جایز نیست و ما مجاز نیستیم که اطاعت از غیر خدا را بر اطاعت از خدا ترجیح دهیم و خداوند متعال در قرآن مجید، ما را به اطاعت کورکورانه و چشم و گوش بسته از پدران و نیاکان بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَائَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنَّ اسْتِخْبَاءَ الْكُفَرِ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. (توبه ۲۳) ای اهل ایمان! شما پدران و برادران

خود را نباید دوست بدارید، اگر آنها کفر را بر ایمان ترجیح دهند، و هر کس از شما آنان را دوست بدارد، بی شک، ستمکار است.

اطاعت پدران معنوی امت

در روایات اسلامی، پیامبر گرامی اسلام حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علی علیه السلام دو پدر این امت معرفی شده اند و برای اطاعت از آن دو بزرگوار فضیلت‌های زیادی شمرده اند.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ . (بحار الأنوار ۱۶ ۹۵ باب ۶) . من و علی پدران این امت هستیم.

امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرماید: شنیدم از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که من و علی دو پدر این امتیم، و حق ما بر ایشان عظیمتر است از حق پدر و مادر ولادت ایشان زیرا که ما خلاص می‌کنیم ایشان را اگر اطاعت ما نکنند از آتش جهنم و می‌رسانیم ایشان را بسوی بهشت که دار قرار است و ایشان را از بندگی شهوات به بهترین آزادی می‌رسانیم. (امام شناسی، ص ۱۹۳) .

امام علی علیه السلام : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ لَحَقْنَا عَلَيْهِمْ أَغْظَمُ مِنْ حَقِّ أَبَوَيْ وَلَدَتِهِمْ فَإِنَّهَا تُنْقِذُهُمْ إِنْ أَطَاعُونَا مِنَ النَّارِ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ وَ نَلْحَقُهُمْ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ بِخِيَارِ الْأَحْزَارِ ؛ (بحار الأنوار، ج ۲۳ ، ص ۲۵۹) شنیدم از رسول خدا که می‌فرمود: من و علی پدران این امت هستیم و حق ما بر آنان از حق پدرانشان که آنان را به دنیا آورده اند، بیشتر است زیرا ما آنان را در صورت اطاعت ، از آتش جهنم نجات داده و به قرارگاه ابدی (بهشت جاوید) می‌بریم و به واسطه عبودیت خدا ، به برگزیدگان آزاده ملحق می‌سازیم.

ایضاً امام علی علیه السلام می‌فرماید شنیدم از رسول خدا که می‌فرمود : أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ فَمَنْ عَصَى أَبَاهُ فَحْشَرَ مَعَ وَلَدِ نُوْحٍ حَيْثُ قَالَ لَهُ أَبُوهُ يَا بُنَيَّ إِزْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ قَالَ سَأَوِي إِلَى جَبَلٍ ؛ (فضل بن شاذان، مئة منقبة، ص ۴۶) من و علی پدران این امتیم و هرکس ما را نافرمانی کند به مانند پسر نوح خواهد بود که در جواب امر پدر که فرمود: با ما بر کشتی سوار شو و با کافران مباش؛ گفت: من به کوه پناه می‌برم. (و)

غرق شد و جهنمی گشت). و وجه و علت دیگر این نام گذاری آن است که این دو بزرگوار نسبت به مسلمانان بیش از پدر نسبت به اولاد شفقت و مهربانی دارند. (علل الشرائع ج ۱، ص ۱۲۷)

در تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) مذکور است در تفسیر قول حق تعالی «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (سوره بقره؛ آیه ۸۳) که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که: بهترین والدین شما و سزاوارترین آنها به شکر شما، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) اند. (امام شناسی، ص ۱۹۳)

حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود: محمد و علی (علیهما السلام) دو پدر این امتند، پس خوشا حال کسی که عارف باشد به حق ایشان و در همه احوال مطیع ایشان باشد؛ خدا او را از بهترین ساکنان بهشت گرداند و او را به کرامتها و خشنودی خود سعادتمند گرداند. (امام شناسی، ص ۱۹۳)

و امام حسین (علیه السلام) فرمود: هر که بشناسد حق دو پدر افضلش محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام را و اطاعت کند ایشان را چنانچه حق اطاعت است، به او گویند در قیامت که در هر جای از بهشت که خواهی به وسعت و رفاهیت ساکن شو. (امام شناسی، ص ۱۹۳)

در صدر اسلام گروهی از جوانان که اسلام را انتخاب کرده بودند، خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده، عرض کردند یا رسول الله! شما می فرمایید ما به والدین احترام بگذاریم در حالی که آنها ما را دعوت به ترك اسلام می کنند، لذا این آیه در این باره نازل شد: وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا؛ (لقمان، آیه ۱۴) و اگر آن دو تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی که از آن آگاهی نداری (بلکه می دانی باطل است)، از آنان اطاعت مکن، اما با آن دو در دنیا به گونه ای شایسته رفتار کن.

نامگذاری فرزند

وَحَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ... از جمله حقوق فرزند بر پدر نامگذاری نیکو است. نامگذاری ممکن است در نظر بعضی، امر ساده ای باشد در حالی که چنین نیست. نام، چیزی است که هر روز بارها انسان با آن مخاطب می شود و طبعاً اثر تلقینی دارد. اگر به فرض، پدر نام «ظالم» بر پسر بگذارد و هر روز او را به این نام خطاب کنند اگر روح ستمگری بر او غالب شود جای تعجب نیست. و به عکس اگر نام محسن و حسن یا حسین بر او نهند و همواره آن را در خطابات تکرار کنند حقیقت نیکوکاری به تدریج در او راسخ می شود. همچنین نام عبدالله و عبدالرحیم و عبدالرحمان که همگی حکایت از عبودیت انسان در برابر خدا دارد. در روایات اسلامی نیز درباره نامگذاری دقت زیادی شده است حتی در روایتی داریم که اگر نام زشتی بر انسان ها و یا حتی شهرها گذاشته شده آن را تغییر دهید:

حسین بن علوان از امام صادق علیه السلام نقل میکند: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يُغَيِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي الرِّجَالِ وَ الْبُلْدَانِ . پیامبر اسلام نام های زشتی را که بر مردان یا شهر بود عوض می کرد. (وسائل الشیعه - جلد ۱۵)

امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنْ لَمْ تَدْرُوا أَوْ ذَكَرُوا أَوْ أَنْتَى فَسَمُّوهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكَرِ وَ الْأُنْثَى فَإِنْ أَسْقَاطَكُمْ إِذَا لَقَوْكُمْ فِي الْقِيَامَةِ وَ لَمْ تُسَمُّوهُمْ يَقُولُ السَّقْطُ لَايِبِهِ أَلَا سَمَّيْتَنِي وَ قَدْ سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مُحَسِّنًا قَبْلَ أَنْ يُولَدَ؛ برای فرزندان نام انتخاب کنید (حتی پیش از تولد) و اگر نمی دانید پسر است یا دختر برای آن ها نام هایی انتخاب کنید که هم می توان آن ها را بر پسر گذاشت و هم دختر زیرا فرزندان از شما که سقط می شوند هنگامی که روز قیامت با شما ملاقات می کنند و نامی برای آن ها انتخاب نکرده اید به پدرش می گوید: چرا نامی بر من نگذاشتی در حالی که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) نام محسن را (برای فرزند حضرت فاطمه زهرا) (علیها السلام) انتخاب کرد پیش از متولد شدنش . (علل الشرائع، ج ۲، ص: ۴۶۵)

عجب این که عرب در عصر جاهلیت و حتی بعد از آن نیز نام های خشن برای فرزندان انتخاب می کرد مانند کلب (سگ) و نمر (پلنگ) و فهد (یوزپلنگ) و امثال آن.

در حدیثی از امام رضا (علیه السلام) می خوانیم: این انتخاب به دلیل این بود که دشمنان را به وسیله آن بترسانند و به عکس، نام غلامان خود را مبارک و میمون و امثال آن می گذاشتند. از بعضی از روایات استفاده می شود که هرگاه نام های بسیار خوبی مانند نام محمد برای فرزند خود انتخاب کردید احترام بیشتری به فرزند بگذارید.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: اَنَّ اَوَّلَ مَا يَنْحَلُّ اَحَدُكُمْ وَلَدَهُ الْاِسْمَ الْحَسَنَ، فَلْيُحَسِّنْ اَحَدُكُمْ اِسْمَ وَلَدِهِ . اولین هدیه ای که هر یک از شما به فرزندش می بخشد نام خوب است. پس بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب کنید (وسائل جلد ۱۵) موسی بن بکر از حضرت ابوالحسن علیه السلام نقل میکند: اَوَّلُ مَا يَبْنِي الرَّجُلُ وَلَدَهُ اَنْ يَسْمِيَهُ بِاِسْمٍ حَسَنٍ فَلْيُحَسِّنْ اَحَدُكُمْ اِسْمَ وَلَدِهِ؛. اولین نیکی و احسان مرد به فرزندش آن است که نام خوب برای او انتخاب کند، پس برای فرزندان خود از بهترین نام ها استفاده کنید. (وسائل الشیعه ص ۱۲۶)

سلیمان جعفر می گوید: سَمِعْتُ اَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اِسْمُ مُحَمَّدٍ اَوْ اَحْمَدَ، اَوْ عَلِيٍّ اَوْ الْحَسَنِ اَوْ الْحُسَيْنِ اَوْ جَعْفَرٍ اَوْ طَالِبٍ اَوْ عَبْدِ اللَّهِ اَوْ فَاطِمَةَ مِنْ النِّسَاءِ. از ابوالحسن شنیدم که فرمود: هیچ گاه فقر و بیچارگی به خانه ای که در آن نام محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله و فاطمه باشد، داخل نمی شود. (وسائل الشیعه، جلد ۱۵، ص ۱۲۹)

ربیع بن عبدالله گوید: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّا نُسَمِّي بِأَسْمَائِكُمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِكُمْ، فَيَنْتَفِعْنَا ذَلِكَ؟ فَقَالَ؟ اَيُّ وَاللَّهِ. وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحَبُّ وَ الْبُغْضُ! " قَالَ اللَّهُ: إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ " (آیه ۳۱ سوره آل عمران) به امام صادق علیه السلام عرض شد: فدایت شوم ما فرزندان خود را به نام شما و پدران شما می نامیم. آیا این عمل به حال ما سودمند است؟ امام فرمود: آری به خدا قسم! مگر دین چیزی جز مهر ورزیدن و بغض و تنفر است؟! خداوند متعال می فرماید: اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید تا او نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد، که او آمرزنده و مهربان است. (مستدرک الوسائل - جلد ۱۵)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: إِذَا كَانَ إِسْمُ بَعْضِ أَهْلِ الْبَيْتِ اسْمَ نَبِيٍّ، لَمْ تَزَلِ الْبَرَكَةُ فِيهِمْ . اگر نام بعضی از اهل خانه، نام پیامبری باشد هم چنان در بین آنان برکت خواهد بود (مستدرک الوسائل - جلد ۱۵)

اصبغ بن نباته از علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت می کند: مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ فِيهِمْ اسْمُ نَبِيٍّ إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ مَلِكًا يُقَدِّسُهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعِشِيِّ ساکنان هیچ خانه ای نیست که در بین آنان نام پیامبری باشد، مگر این که خداوند فرشته ای بر آنان گسیل دارد که در هر صبح و شام تقدیسشان کنند. (وسائل جلد ۱۵۷)

ابو وهب جسمی از پیامبر اکرم روایت کرد: پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: تَسْمُوا بِأَسْمَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، وَأَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عَبْدُ اللَّهِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ... وَأَقْبَحُهَا حَرْبٌ وَمَرَّةٌ. نام پیامبر را برای خود انتخاب کنید که محبوب ترین نام ها در پیشگاه خداوند عبدالله و عبدالرحمن و زشت ترین نام ها حرب و مرّه است (کنز العمال، جلد ۱۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْكُنَى قَبْلَ أَنْ تَغْلِبَ عَلَيْهِمُ الْأَلْقَابُ . پیش از آنکه لقب های زشت بر فرزندانان غلبه پیدا کند لقب ها و کینه های خوب بر آنان بگذارید. (کنز العمال - جلد ۱۶)

حضرت امام خمینی (ره) نیز در دیدار و ملاقات افرادی که از حضرتش تقاضای نامگذاری فرزندان را داشتند، عبدالله و فاطمه و زهرا و ... را پیشنهاد می کردند . ایشان در رساله عملیه می فرمایند: فقر و بینوایی داخل خانه ای نمی شود که در آن خانه محمد یا احمد یا علی و یا حسین و یا جعفر و طالب و عبدالله و فاطمه باشد.

نامها اگر برگرفته از چهره هایی باشند که در تاریخ به بزرگ منشی و نیکی از آنان یاد می شود، کودک بعدها در انطباق با نام خویش هویتی مطلوب و ارزشمند می یابد. علاوه بر اینکه نامیدن فرزندان به اسامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام مورد اجر و پاداش خداوند است و باعث عزّت مسلمانهاست.

رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که شخصی را به غیر نام خودش {با القاب زشت} صدا کند، فرشتگان، او را لعنت میکنند. (کنز العمال جلد ۱۶ صفحه ۴۲۰ حدیث ۴۵۲۱۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ

وَمَنْ لَمْ يَتَّبِعْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (سوره حجرات ۱۱) ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید «یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند یاد نکنید» چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند . در سبب نزول این آیه آمده است که روزی «صفیه» دختر «حیی ابن اخطب» خدمت پیامبر آمد در حالی که اشک می ریخت، پیامبر از ماجرا پرسید، گفت: عایشه و حفصه مرا سرزنش می کنند و می گویند: ای یهودی زاده! پیامبر فرمود: چرا نگفتی پدرم هارون است، و عمویم موسی، و همسر محمد؟ در اینجا بود که این آیه نازل شد...

حتی خداوند به مؤمنان سفارش می کند که به معبود مشرکان، بی احترامی نکنند تا آنها در مقابل به خداوند ناسزا نگویند: «و به آنهايي که مشرکان به جای خداوند [به پرستش] می خوانند دشنام ندهید تا آنان [نیز] از سر دشمنی به نادانی، خداوند را دشنام ندهند... وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...» (انعام، ۱۰۸)

البته در باره بعضی افراد که نسبت به اسلام و مسلمین کینه ورزی میکنند و مسلمین و مؤمنین را با القاب زشت مورد خطاب قرار میدهند از باب جزاء سیئه سیئه بمثلها ... مانند ابوجهل از بزرگان قریش و از افراد اصلی نظر دهنده در دار الندوه و از تأثیرگذارترین دشمنان اسلام بود و در تمام موقعیتها علیه مسلمانان تلاش می کرد مناسب نیست که او را با لقب «ابوالحکم» که نشان از دانش و حکمت او دارد مورد خطاب قرار دهیم! در حالی که لقب وی ابو الحکم بود وی را با لقب ابو جهل صدا میکردند . نام وی ابوالحکم عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی بود که بعدها معروف به ابوجهل شد . آن ابوجهل از محمد ننگ داشت - وز حسد خود را به بالا می فراشت - بوالحکم نامش بد و بوجهل شد - ای بسا اهل از حسد نا اهل شد .

ابولهب (با نام اصلی عبدالعزی بن عبدالمطلب) بر پایه روایتی، خداوند او را به این کنیه خوانده؛ چون عاقبت او با آتش است. گویا در میان مردم زمان خویش، بیشتر به کنیه اباعتبیه خطاب می شده است. (زادالمعاد، ج ۲، ص ۳۳۸ . الکشاف، ج ۴، ص ۸۱۴ . اعلام النبوه، ج ۱، ص ۱۳۰)

نامهای خوب برای نوزادان دختر

نامگذاری با لقبهای حضرت فاطمه ی زهراء : انسیه، بتول، تقیه، جمیله، جلیله، حکیمه، حانیه، حبیبیه، حدیثه، حُزّه، حوراء، حوریه، حنانه، حسنا، راکعه، راضیه، رحیمه، رشیده، رضیه، ریحانه، زکیه، زهره، ساجده، سعیده، سیده، سلیمه، شریفه، شفیقه، صابره، صادقه، صدیقه، صدوقه، صفیه، طویه، طاهره، عارفه، عالیه، عذراء، عزیزه، عالمه، علیمه، عدیله، عقیله، فائزه، فاضله، فریده، فهیمه، کریمه، کوثر، کوب، مرضیه، مبشره، محموده، محبوبه، محدثه، مطهره، محترمه، معصومه، محتشمه، ملهمه، ممتحنه، منصوره، موفقه، منیره، مهدیه، مؤمنه، ناعمه، نقیه، نوریه، والهه، وحیده، شهیده، و هدی .

نامگذاری با نامهای مادران و همسران پیامبران : جویریّه، امّ سلمه، زینب، سوده، حفصه، صفیه، امّ حبیبیه، رقیّه، کلثوم، حلیمه، عاتکه، صفیه، امّ هانی، فاخته، عاتکه، امّ فروه، قریبه، آمنه، خدیجه، ماریه، نجمه، تکتّم، ریحانه، حمیده، سبیکه، دُرّه، خیزران، ریحانه، سُکینه، رقیّه، صغری، رباب، فضه، اسماء، میمونه، حُدیث، سلیل، سوسن، حریبه، عسفان، جَدّه، نرجس، صقیل، صیقّل، حدیثه، ملیکه، سمانه، حکیمه، شهربانو، سلامه، سلافه، جهانشاه، شاه زنان، شهرناز، حرار، معصومه، نفیسه، حسنیه، خوله، انیسه، شیما، علیّه، لیلا، هاله، محموده، عالیّه، جمیله، سُمّیه، نسیمه، سوده، ربیعّه، حوا، آسیه، هاجر، ساره، بلقیس، صفورا، مریم، راحیل، یامین، آرسنا، دینه، دینا، بتسابه، بسمه، قینوش، ساره، ابیونا، ورقه، یوکابد، نخب، أفاحیه، برخانه، برّه، بکیّه، امیله، ورقه، رفقه، میکاء، یاحیر، برسبا، ام حکیم، تنجیس، عیشاء.

نامهایی برای دختران با محل دفن صاحبان اسامی

فاطمه بنت اسد و فاطمه زهرا و فاطمه ام البنین «در قبرستان بقیع» ؛ همسران پیامبر (غیر از خدیجه که در قبرستان ابوطالب مکه مدفون است) : جویریّه، امّ سلمه، زینب دختر جحش، زینب دختر خزیمه، سوده، حفصه، صفیه، امّ حبیبیه، عایشه «در بقیع» ؛ دختران پیامبر غیر از حضرت فاطمه ی زهرا : زینب، رقیّه و امّ کلثوم «در بقیع» ؛ حلیمه سعیدیه مادر رضاعی پیامبر «در بقیع» ؛ عاتکه و صفیه، دو عمه پیامبر «در بقیع» ؛ امّ هانی دختر ابوطالب و فاطمه بنت اسد و خواهر امام علی بنام فاخته یا فاطمه و یا عاتکه «در

بقیع» ؛ امّ فروه بنام فاطمه یا قریبه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر مادر امام صادق «در بقیع» ؛ آمنه مادر پیامبر «در روستای ابواء میان راه مکه و مدینه» ؛ خدیجه همسر پیامبر «در قبرستان ابوطالب» ؛ ماریه قبطیه مادر ابراهیم بن الرسول «در مدینه مشربه امّ ابراهیم انتهای شارع علی بن ابیطالب نزدیک باغ و مسجد شیعیان [شیخ عمروی]» ؛ نجمه یا تکتّم یا ریحانه مادر امام رضا «در مشربه امّ ابراهیم» ، حمیده مادر امام کاظم «در مشربه امّ ابراهیم» ؛ سبیکه یا دُرّه یا خیزران یا ریحانه یا سُکینه مادر امام جواد «در مشربه امّ ابراهیم» ؛ زینب خواهر امام حسین و امّ کلثوم خواهر امام حسین و سکینه دختر امام حسین و رقیّه دختر امام حسین و فاطمه صغری دختر امام حسین «در دمشق سوریه» ؛ حضرت زینب در گذشته در قریه راویه و هم اکنون محله زینبیه حرم و بارگاه دارد ؛ رقیه دختر امام حسین در شمال غربی محله قدیمی دمشق و کنار باب الفرادیس حرم و بارگاه دارد ؛ آمنه ملقب به سکینه یکی از دختران امام حسین مادر وی رباب است «در باب الصغیر دمشق» ؛ ام کلثوم زینب صغری دختر امام علی «در باب الصغیر دمشق» ؛ فاطمه صغری دختر امام حسین از ام اسحق «در باب الصغیر دمشق» بنابر قولی فاطمه صغری نواده امام حسین است و فاطمه صغری دختر امام حسین در منزل خود یعنی در پشت مسجد النبی مدینه وفات یافته و در بقیع به خاک سپرده شده ؛ خدیجه دختر امام زین العابدین در باب الصغیر دمشق «محل دفن نامعلوم» ؛ حمیده دختر مسلم بن عقیل در باب الصغیر دمشق «محل دفن نامعلوم» ؛ فضه خادمه حضرت زهرا در باب الصغیر دمشق «محل دفن نامعلوم» ؛ اسماء بنت عمیس در باب الصغیر دمشق «محل دفن نامعلوم» اسماء ابتدا با جعفر بن ابی طالب ازدواج کرد، پس از شهادت جعفر به همسری ابوبکر درآمد و محمد را به دنیا آورد، پس از درگذشت ابوبکر همسر امام علی (ع) شد ؛ میمونه دختر امام حسن در باب الصغیر دمشق «محل دفن نامعلوم» ؛ فاطمه دختر حسن بن علی مادر امام باقر «محل دفن نامعلوم» ؛ حُذیث، سلیل، سوسن، حریبه، عسفان و جَدّه، مادر امام حسن عسکری «در سامراء حرم عسکریین» ؛ نرجس، سوسن، صَقیل یا صیقَل، حدیثه، ملیکه و ریحانه مادر امام زمان «در سامراء حرم عسکریین» ؛ سَمانه مادر امام هادی و موسی مبرقع «در سامراء حرم عسکریین» ؛ حکیمه دختر امام جواد و مادر امام زادگان حسین، زید و حمزه «در سامراء حرم عسکریین» ؛ حدیث یا سلیل یا سوسن

یا حریبه یا عسفان و جدّه مادر حضرت سیدمحمد فرزند اول امام هادی (ع)
 «در سامراء حرم عسکریین» وجه نامیدنش به جدّه این است که مادر بزرگ امام زمان (عج)
 است ؛ شهر بانو، سلامه، سلافه، جهان شاه، شاه زنان، شهر ناز، حرار مادر امام سجاد احتمالاً
 در شهر ری کوه بی بی شهر بانو ؛ فاطمه معصومه شوهر و فرزند ندارد در قم ؛ نفیسه
 نوه امام مجتبی و همسر اسحاق مؤتمن فرزند امام جعفر صادق در مصر ؛ حسینه شاگرد
 امام صادق در تربت حیدریه ؛ خوله حنفیه مادر محمد حنفیه ؛ انیسه و شیما خواهران
 رضاعی پیامبر؛ رباب مادر حضرت علی اصغر؛ علیّه دختر امام سجاد ؛ لیلا مادر حضرت
 علی اکبر ؛ هاله خواهر حضرت خدیجه ؛ علیّه دختر امام موسی کاظم ؛ محمود
 دختر امام موسی کاظم ؛ عالیّه به روایتی نام دختر امام علی النقی ؛ جمیلّه همسر
 حنظلّه از شهدای اسلام ؛ سُمیّه مادر عمار یاسر نخستین زن شهید در اسلام ؛ نسبه
 زنی که در غزه احد پیش روی پیامبر شمشیر میزد ؛ سوده زنی که نامه ای تند و تیز به
 معاویه نوشت و پیش معاویه شعری در مدح امام علی خواند ؛ ربیعّه خادمه حضرت رسول؛
 حوا مادر آدمیان در جده در حاشیه خیابانی که خراب کرده اند ؛ آسیه خواننده آیه رب
 بن لی عندک بیتاً فی الجنّة ؛ هاجر مادر اسماعیل مدفون در حجر اسماعیل ؛ ساره مادر
 اسحاق ؛ بلقیس همسر حضرت سلیمان ؛ صفورا همسر حضرت موسی ؛ مریم مادر
 حضرت عیسی ؛ راحیل و یامین مادر حضرت یوسف و بنیامین ؛ آرسنا زن حضرت
 یوسف ؛ دینه یا دینا خواهر حضرت یوسف ؛ بتسابه مادر حضرت سلیمان ؛ بسمه
 دختر حضرت اسماعیل ؛ قینوش مادر حضرت نوح ؛ ساره یا اییونا مادر حضرت ابراهیم
 و همچنین نام مادر اسحاق ؛ ورقه مادر حضرت لوط ؛ یوکابد یا نخیب یا أفاحیه یا
 برخانه مادر حضرت موسی ؛ بزّه مادر حضرت ادریس ؛ قینوش مادر حضرت نوح ؛
 بکیّه مادر حضرت هود ؛ امیلّه مادر حضرت ابراهیم ؛ هاجر مادر حضرت اسماعیل؛
 ورقه مادر حضرت لوط ؛ رفقه مادر حضرت یعقوب ؛ میکاء مادر حضرت شعیب ؛
 یاحیر مادر حضرت ایوب ؛ برسبا مادر حضرت سلیمان نبی ؛ ام حکیم مادر حضرت
 الیاس ؛ تنجیس مادر حضرت یونس ؛ عیشاء مادر حضرت یحیی .

نامهای خوب برای نوزادان پسر

نامهای پیامبران و اصحاب : شیث، هبة الله، نوح، عبدالجبار، عبدالغفار، عبدالسلام، لمک، هود، شالخ، صالح، جابر، ابراهیم، خلیل، تارخ، عالی، موسی، عمران، عیسی، مسیح، روح الله، ادريس، یوسف، یعقوب، بنیامین، لای، اسماعیل، ذبیح الله، اسحاق، شعیب، ایوب، داوود، سلیمان، الیاس، یاسین، نوح، الیسع، یونس، متی، حزقیل، ادریم، زکریا، یحیی، عزیر، عزرا، عزاریا، ارمیا، یرمیا، جرجیس، دانیال، یوشع، شعیا، ارمیا، صالح، لقمان، حکیم، محمد، احمد، محمود، مصطفی، ابوالقاسم، رسول، عبدالله، عبدالمطلب، عامر، هاشم، ابیطالب، قاسم، طیب، طاهر، عقیل، مسلم، طالب، حمزة، اسدالله، جعفر، علی، حیدر، مرتضی، اسدالله، ابوالحسن، ابوالحسین، ابوتراب، ابوذر، سلمان، مقداد، حذیفه، عمار، یاسر، خزیمه، مالک، جابر، زید، حارث، بلال، مسعود، عبد الرحمن، سعید، قیس، اویس، میثم، کمیل، سلیم، حجر، رشید، مسلم، طرماح، عابس، محسن، حسن، غلامحسن، محمدحسن، مجتبی، حسین، غلامحسین، محمدحسین، ابوالفضل، عباس، غلامعباس، قاسم، محمدقاسم، اکبر، علی اکبر، اصغر، علی اصغر، سجاد، زین العابدین، باقر، محمدباقر، صادق، محمدصادق، جعفر، کاظم، محمدکاظم، رضا، محمدرضا، تقی، محمدتقی، جواد، محمدجواد، نقی، هادی، محمدهادی، عسکری، مهدی، محمدمهدی، حجت .

نامهای پیامبران و محل دفن آنان

آدم ابوالبشر «در حرم امام علی» ؛ شیث یا هبة الله «مشهورترین مزار منسوب به حضرت شیث علیه السلام در شهر موصل واقع در شمال عراق است و ایضاً روستایی به نام شیث نبی علیه السلام واقع در حاشیه ی شمالی دژه ی بُقاع در لبنان» ؛ نوح عبدالجبار یا عبدالغفار یا عبدالسلام فرزند لمک «در نجف اشرف کنار قبر حضرت علی علیه السلام» ؛ هود فرزند شالخ و صالح فرزند جابر «در نجف اشرف نزدیک قبر حضرت علی علیه السلام قبرستان وادی السلام» ؛ ابراهیم، خلیل فرزند تارخ یا عالی «در باغ عفرون و اکنون شهر الخلیل در کشور فلسطین» ؛ موسی فرزند عمران «به روایتی در ۶ فرستگی بیت المقدس» ؛ هارون فرزند عمران «در کوه هور در طور سینا»؛ عیسی پدر ندارد عیسی، مسیح، روح الله «آن حضرت به آسمان عروج کرد» ؛ ادريس در زبان عربی اخنوع فرزند یارد «عروج به آسمان» پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم فرمود: در

شب معراج، مردی را در آسمان چهارم دیدم، از جبرئیل پرسیدم: این مرد کیست؟ جبرئیل گفت: این ادریس است که خداوند او را به مقام ارجمندی بالا آورده است. به ادریس سلام کردم و برای او طلب آموزش نمودم، او نیز بر من سلام کرد و برایم طلب آموزش نمود؛ یوسف فرزند یعقوب «در جامع الخلیل در فلسطین»؛ بنیامین و لاوی فرزندان یعقوب «در الخلیل»؛ اسماعیل، ذبیح الله فرزند ابراهیم «در حجر اسماعیل مسجد الحرام»؛ اسحاق فرزند ابراهیم «در شهر الخلیل»؛ لوط فرزند هاران «در قریه کفر دریک فرسنگی مسجد الخلیل در فلسطین»؛ یعقوب فرزند اسحاق «در جامع الخلیل واقع در کشور فلسطین در جوار حضرت ابراهیم و ساره»؛ شعیب خطیب الانبیاء فرزند صیفون «به روایتی در بیت المقدس»؛ ایوب فرزند آموص «به روایتی ایشان در بلاد حوران مدفون است به روایتی هم نزدیک بجنورد»؛ داوود فرزند ایشی «در بیت المقدس واقع در قریه داوود در فلسطین»؛ سلیمان فرزند داوود «در بیت المقدس در قریه داوود در فلسطین»؛ داوود پدر سلیمان پسر یسی از فرزندان یهودا «در اورشلیم درگذشت در کوه صهیون دفن شد»؛ الیاس فرزند یاسین «به آسمان عروج کرد»؛ خضر از اولاد سام بن نوح و پسر خاله ذوالقرنین بود «زنده»؛ الیسع فرزند اخطوب «در دمشق کشور سوریه»؛ یونس فرزند متی «شهر کوفه در کشور عراق کنار فرات وایضاً در شهر موصل»؛ ذوالکفل حزقیل فرزند ادریم «در بین شهر کوفه و حله شهرک ذوالکفل»؛ زکریا فرزند برخیا «در بیت المقدس»؛ یحیی فرزند زکریا «در مسجد جامع اموی دمشق»؛ عزیر یا عزرا یا عزاریا یا ارمیا یا یرمیا و برادرش عزیز فرزندان خلقیا «در ۶۰ کیلومتری شهرستان شاهرود به طرف خراسان، دو روستا وجود دارد که یکی به نام اسرائیل است و دیگری به نام ارمیان که گفته میشود در این روستا قبر حضرت ارمیا قرار دارد»، عزیر را نزدیک بیت المقدس خداوند صد سال به خواب عمیقی شبیه به مرگ تسلیم کرد و دوباره زنده کرد که شهر قدس بازسازی شده بود؛ جرجیس معرب گریگر (جرج) فرزند اناک بن خسرو (از اشراف اشکانی) «مقبره ای منتسب به حضرت جرجیس در ایران (استان آذربایجان شرقی، شهرستان جلفا، منطقه دره شام، روستای ویرانباغ) قرار دارد»؛ دانیال نبی (ع) «در شهرستان شوش دانیال نزدیک اهواز»؛ حضرت یوشع «در گورستان تاریخی تخت فولاد اصفهان» محوطه ای

که یوشع نبی در آن دفن است به لسان الأرض معروف است ؛ شعیای نبی «اصفهان جنب امامزاده اسماعیل در حاشیه خیابان هاتف اصفهانی قرار دارد» ؛ حیقوق نبی که پس از شعیا نبی به رسالت مبعوث شد «در جنوب غربی شهر تويسرکان» ؛ خالد بن سنان عیسی که شریعت حضرت عیسی را تبلیغ می کرد «شهرستان کلالة به سمت "قره قوزی سفلی" و "یلی بدراق" ۳۸ کیلومتری جاده خاکی تا آرامگاه خالد نبی که بر بلندی کوهی به نام کوه خداست» ؛ قیدار نبی «در شهرستان خدا بنده (قیدار) از استان زنجان» ؛ ارمیای نبی «در شمال خرمشهر» ؛ صالح پیامبر «در شوشتر» ؛ لقمان حکیم ؛ محمد و احمد و محمود و مصطفی و ابوالقاسم و رسول الله آخرین پیامبر خدا فرزند عبد الله «در مدینه طیبه» مُحَمَّد بن عبد الله بن عبدالمطلب «شَیْبَة الحمد»، عامر (عمر و العلی) بن هاشم بن عبدمناف (مُغیره) بن قُصَی (زید) بن کلاب (حکیم) بن مُرَّة بن کعب بن لُؤی بن غالب بن فِهر (قریش) بن مالک بن نَضْر (قَیس) بن کنانة بن حُزَیمَة بن مُدرِکَة (عمرو) بن الیاس بن مضر بن نِزار (خلدان) بن مَعَدَّ بن عدنان «اذابلیغ نسبی الی عدنان فامسکوه» «محل دفن مدینه مسجدالنبی» ؛ عبدالمطلب جد حضرت محمد «در قبرستان حُجون یا قبرستان ابیطالب یا قبرستان معلی که در دامنه کوهی به نام حُجون است و محل دفن قُصَی بن کلاب جد پنجم پیامبر اکرم و عبدمناف و هاشم و عبدالمطلب و ابوطالب و میمونه و خدیجه همسران حضرت رسول» ؛ ابوطالب یا عمران عبد مناف بن عَبْدُ الْمُطَّلِب بن هاشم معروف به ابوطالب، پدر امام علی و عموی پیامبر اسلام «در مکه کنار قبر پدرش عبدالمطلب و در قبرستان حُجون» ؛ عبد الله بن عبدالمطلب پدر حضرت محمد «در مدینه دار النابغة که اکنون در توسعه غربی مسجد داخل مسجد شده و از باب السلام به طرف شارع باب السلام محدوده دفن حضرت عبد الله است» ؛ قاسم فرزند حضرت محمد «نخستین پسر که در کودکی در مکه درگذشت» ؛ ابراهیم فرزند حضرت محمد و ماریه قبطیه که پیش از دو سالگی از دنیا رفت و در روز وفات او، کسوف رخ داد. پیامبر (ص) برای جلوگیری از ارتباط دادن کسوف با مرگ او فرمود: «خورشید و ماه بخاطر مرگ کسی نمی گیرند.» ؛ عبد الله فرزند حضرت محمد و خدیجه که او را طیب و طاهر لقب دادند زیرا پس از نزول وحی و در زمان اسلام متولد شد «عبد الله در کودکی در مکه از دنیا رفت» ؛ عقیل بن ابیطالب صاحب پنج پسر به نام های مسلم بن

عقیل، محمّد بن عقیل، یزید بن عقیل، عیسی بن عقیل، حسن بن عقیل و یک دختر به نام رمله بنت عقیل بود، وی آگاهی گسترده ای از قبایل عرب و تاریخ و وقایع گذشته آنان داشت و به علم انساب مسلط بود، «عقیل در اواخر عمر نابینا شد و در سال پنجاه هجری در مدینه درگذشت و در داخل خانه خود که درکنار بقیع قرارداشت به خاک سپرده شد»؛ طالب بن ابیطالب به همراهی سپاهی از مکه پرداخت تا یک کاروان تجاری که مورد تهدید مسلمانان بود را نجات دهند در این هنگام پیغامی از طرف ابوسیفان دریافت شد مبنی بر اینکه کاروان به سلامت به مقصد رسیده است و لذا نیازی به ادامه سفر سپاه نیست، با این وجود، برخی از اهل قریش قصد ادامه سفر خود تا بدر را کردند اما به طالب چنین گفتند: «ای پسر هاشم، اگرچه تو در این سفر ما را همراهی کردی، ولی می دانیم که قلب تو با محمد است». پس از این بحث، طالب از همراهی آنها منصرف شد. گفته شده است که او پس از این واقعه، شعر زیر را سروده است: «خداوندا، اگر طالب به همراهی این سپاه قصد جنگی ناخواسته کند او را غنیمت قرار ده، نه آنکه غنیمت می گیرد و او را شکست خورده بدار نه ظفر یافته» «طالب در بازگشت به مکه نرسید و جسدش هم یافت نشد»؛ حمزة بن عبدالمطلب، ملقب به اسدالله واسد رسول الله وسید الشهداء عموی پیامبر اکرم (ص) و از شهدای اُحداست «محل دفن وی اُحداست»؛ جعفر بن ابیطالب ملقب به "طیار" یا "ذوالجناحین" «در منطقه (موت) شهید شد و مزار او سایر شهدای موتی در منطقه ای معروف به شهر مزار در اطراف موتی (شهری در استان کرک اردن) قرار دارد و امروز زیارتگاه است و گفته می شود که "ظاهر بیترس اول" چهارمین سلطان مصر، مزار جعفر را تجدید بنا کرد و اوقاف بسیاری به آن اختصاص داد»، عبدالله بن جعفر فرزند ایشان با حضرت زینب ازدواج کرد؛ علی بن ابیطالب، حیدر، مرتضی، اسدالله، ابوالحسن، ابوالحسن، ابوالسبتین، ابوالریحانین، ابوتراب و ابوالائمه. همچنین امیرالمؤمنین، یعسوب الدین والمسلمین، مبیر الشکر والمشرکین، قتلل الناکثین والقاسطین والمارقین، مولی المؤمنین، شبیه هارون، حیدر، مرتضی، نفس الرسول، أخو الرسول، زوج البتول، سیف الله المسلول، امیر البررة، قاتل الفجرة، قسیم الجنة والنار، صاحب اللواء، سید العرب، کشاف الكرب، الصدیق الأكبر، ذوالقرنین، هادی، فاروق، داعی، شاهد، باب المدينة، والی، وصی، قاضی دین رسول الله، منجز وعده، النبأ العظيم، الصراط المستقیم والأئزاع البطین «تنها

فردی که درخانه کعبه به دنیا آمد و در مسجد کوفه به شهادت رسید، درخانه ی حق آمد و درخانه ی حق رفت - پروانه ی حق آمد و پروانه ی حق رفت، و میسرنگردد به کس این سعادت - به کعبه ولادت به مسجد شهادت» ؛ ابوذر «درتبعیدگاه ربذه» ؛ عماربن یاسر و اویس قرنی «الرقه سوریه» ؛ میثم بن یحیی تمار «ثویه، بین مسجد حنانه و مسجد کوفه» ؛ زید و صعصعة بن صوحان «ثویه کوفه» ؛ سلیم بن قیس هلالی «ثویه کوفه» ؛ کمیل بن زیاد «ثویه کوفه» ؛ سلیم بن قیس؛ مالک اشتر «مصر» ؛ حجر بن عدی «مرج عذراء در حومه منطقه الغوطه در اطراف دمشق» ؛ رشید هجری «بقعه ای در نزدیکی پل عباسیه نزدیک شهر کفل» ؛ قنبر غلام امام علی «ثویه کوفه یا شهر حمص سوریه» ؛ سلمان «مدائن» ؛ عقیل «بقیع» ؛ مقداد بن اسود «بقیع» ؛ هاشم بن عتبّه ؛ حذیفه بن یمان ؛ خزیمه بن ثابت ؛ سهل بن حنیف ؛ مالک بن تیهمان ؛ جابر بن عبدالله؛ زید بن حارث ؛ بلال بن ریاح ؛ عبدالله بن مسعود ؛ عبدالرحمن بن عوف ؛ خالد بن سعید ؛ سعید بن زید ؛ مصعب بن عمیر ؛ قیس بن سعد ؛ مسلم بن عوسجه ؛ مسلم بن عقیل؛ طرمّاح بن عدی طائی ؛ عابس بن ابی شیبب شاکری ؛ محسن «محسن سقط شده درمدینه» ؛ حسن ؛ مجتبی ؛ «امام حسن مجتبی در بقیع» ؛ حسین «امام حسین کربلا» ؛ ابوالفضل ؛ عباس «کربلا» ؛ قاسم «کربلا» ؛ علی اکبر «کربلا» ؛ علی اصغر «کربلا» ؛ سجاد ؛ زین العابدین «امام زین العابدین بقیع» ؛ محمد باقر «امام محمدباقر بقیع» ؛ جعفر صادق «امام جعفرصادق بقیع» ؛ موسی کاظم «امام موسی کاظم کاظمین» ؛ رضا «امام رضا مشهد» ؛ محمد تقی ؛ جواد «امام جواد کاظمین» ؛ نقی ؛ هادی «امام علی النقی سامراء» ؛ عسکری «امام حسن عسکری سامراء» ؛ مهدی ؛ حجت «امام غائب در سرداب سامراء» .

نامهای خداوندی در دعای جوشن کبیر

رحمان ؛ رحیم ؛ کریم ؛ احسان ؛ سبحان ؛ رضوان ؛ سلطان ؛ عظیم ؛ قادر ؛ جابر ؛ ناصر؛ حبیب ؛ قریب ؛ غفور ؛ شکور ؛ رؤوف ؛ قدیر ؛ امین ؛ مبین ؛ رشید ؛ حمید ؛ مجید ؛ عادل .

ادب و تربیت فرزند

وَيُحَسِّنُ أَدَبَهُ دِیْگَرِ حَقِّ فَرْزَنْدِ بَرِ پَدَرِ اَدَبِ وَتَرْبِیَّتِ نِیکو است و اما مسأله تعلیم و تربیت: امام (علیه السلام) تربیت را مقدم داشته و همگان را سفارش می کند که فرزندان را به خوبی تربیت کنند و ادب بیاموزند. می دانیم که روح و ذهن انسان در کودکی بسیار تأثیرپذیر است و طبق حدیث معروف، علم در «صغر» همچون نقش بر «حجر» است و بسیار پرننگ و پردوام خواهد بود. ازاین رو اگر پدر و مادر در تعلیم و تربیت فرزند کوتاهی کنند خسارت عظیمی، هم دامان پدر و مادر را می گیرد و هم فرزند را، به خصوص اگر وسوسه های شیطانی بر فرزند غلبه کند یا افراد ناباب یا رسانه های آلوده با آن ها ارتباط برقرار کنند و تعلیمات زشت و ناپسند خود را در روح کودک فرو ریزند. به همین دلیل در نامه ای که امام (علیه السلام) به فرزند دلبندش امام حسن (علیه السلام) نوشت و آنچه خیر دنیا و آخرت در آن است در آن نامه ریخت و به فرزندش هدیه کرد می خوانیم: پسر من! چون احساس کردم به سن پیری رسیده ام و قوایم رو به سستی نهاده به این وصیت مبادرت ورزیدم و بخش هایی از آن را برای تو بیان کردم مبادا اجلم فرا رسد در حالی که آنچه در درون سینه داشته ام بیان نکرده باشم... ازاین رو پیش از آن که هوی و هوس و فتنه های دنیا به تو هجوم آورد و همچون مرکبی سرکش شوی، به تعلیم و تربیت تو روی آوردم.

قال علی علیه السلام: إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ فَلَيْتَهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَيَشْتَغَلَ لُبُّكَ؛ قلب جوان همچون زمین خالی است و هر بذری در آن بیفشانند آن را می پذیرد. به همین دلیل پیش از آن که قلبت قساوت یابد و فکرت به امور دیگر مشغول گردد.

امام علی علیه السلام: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آن که دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، با کردارش ادب آموزد و البته آموزش دهنده و ادب آموز خود بیش از آموزگار و ادب آموز مردم، شایسته تجلیل است. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۴۸۰، ج ۷۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله : اَدَّبُوا اولادکم علی ثلث خصال حَبِّ نَبِیکم و حَبِّ اهل بیته و تلاوة القرآن . فرزندانان را به سه چیز ادب کنید: عشق به پیامبرتان، عشق به خاندان او، و قرآن خواندن. (قاموس قرآن مقدمه ص ۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اَلْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدُ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ... (وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۵) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزند هفت سال سرور است؛ هفت سال بنده [و فرمانبردار] است؛ و هفت سال یاور است.

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: یُرَبِّی الصَّبِیَّ سَبْعًا وَ یُوَدِّبُ سَبْعًا وَ یُسْتَحْدَمُ سَبْعًا... (کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۳) امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: کودک هفت سال تربیت می شود؛ هفت سال ادب می آموزد؛ و هفت سال به کار گرفته می شود.

امام صادق علیه السلام: اَلْغُلَامُ یَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَیَتَعَلَّمُ الْکِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَیَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ. (الکافی، ج ۶، ص ۴۷) امام صادق علیه السلام: پسر بچه هفت سال بازی می کند؛ هفت سال نوشتن را فرا می گیرد؛ و هفت سال حلال و حرام را می آموزد. پیامبر صلی الله علیه و آله: رَحِمَ اللّٰهُ عَبْدًا اَعَانَ وَلَدَهُ عَلٰی بَرِّهِ بِالْاِحْسَانِ اِلَيْهِ وَالتَّائُلِفِ لَهُ وَتَعْلِمِهِ وَتَأْدِیْبِهِ. (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۹) پیامبر صلی الله علیه و آله: مهر خداوندی از آن بنده ای باد که فرزند خود را با نیکی کردن به وی و دمسازی با او و آموزش و ادب کردن وی، در نیکو شدنش یاری دهد.

امام سجاد علیه السلام: ... حَقُّ وَلَدِكَ ... اَنَّكَ مَسْئُوْلٌ عَمَّا وُلِّیْتَهُ [بِه] مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةِ عَلٰی رَبِّهِ ... وَ الْمَعُونَةِ عَلٰی طَاعَتِهِ فِیكَ وَ فِی نَفْسِهِ ... (تحف العقول، ص ۲۶۳) امام سجاد علیه السلام: حق فرزند تو این است... در سرپرستی وی مسئولیت داری که ادب او را نیکو کنی و به سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمانبرداری از او، نسبت به وظایف تو و خودش، یاری اش دهی.

امام صادق علیه السلام: اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَاَحْسِنُوا اِادَابَهُمْ یُعْزَلْکُمْ. (وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۵) امام صادق علیه السلام: فرزندانان را گرامی بدارید و آدابشان را نیکو کنید تا آمرزیده شوید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عَلَّمُوا اَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَالرَّمَایَةَ. (الکافی، ج ۶، ص ۴۷) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شنا و تیراندازی را به فرزندانان بیاموزید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ: ... وَالتَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِتَكُونَ سُنَّةٌ مِنْ بَعْدِي. (مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۵۱) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز را تا هنگام مرگ رها نمی کنم که پس از من جزء آیین شوند: [یکی از آنها] سلام کردن به کودکان است.

امام رضا علیه السلام: إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَّانَ فَفُوا لَهُمَ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَزُفُونَهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيْسَ يَغْضِبُ لَشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ. (الكافی، ج ۶، ص ۵۰) امام رضا علیه السلام: هرگاه به کودکان وعده ای می دهید، آن را برایشان عملی کنید؛ زیرا آنان می پندارند شما همان کسانی هستید که روزی شان می دهید. و بی گمان خداوند بزرگ و بشکوه به اندازه ای که برای (رعایت نکردن حقوق) زنان و کودکان خشمناک می شود، برای چیز دیگری خشمناک نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ. (مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۷۳) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میان فرزندانان عدالت ورزید، همان گونه که شما نیز دوست می دارید، در نیکی کردن و مهر ورزیدن، میان خودتان عدالت ورزند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: أَنَا أَدِيبُ اللَّهَ وَ عَلَيَّ أَدِيبِي . من ادب آموخته خدا هستم و علی، ادب آموخته من است . (مکارم الاخلاق ص ۱۷)
امام علی علیه السلام: إِنَّ النَّاسَ إِلَى صَالِحِ الْأَدَبِ أَخَوْجُ مِنْهُمْ إِلَى الْفِضَّةِ وَ الدَّهَبِ؛ مردم، به ادب (فرهنگ و تربیت) درست ، نیازمندترند، تا به طلا و نقره. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۴۷، ح ۵۰۸۰)

امام علی علیه السلام: النَّفْسُ مَجْبُولَةٌ عَلَى سُوءِ الْأَدَبِ وَ الْعَبْدُ مَأْمُورٌ بِمُلَازِمَةِ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ النَّفْسُ تَجْرِي [بِطَبْعِهَا] فِي مَيْدَانِ الْمُخَالَفَةِ وَ الْعَبْدُ يَجْهَدُ بِرَدِّهَا عَنْ سُوءِ الْمُطَالَبَةِ فَمَتَى أَطْلَقَ عِنَانَهَا فَهُوَ شَرِيكٌ فِي فُسَادِهَا وَ مَنْ أَعَانَ نَفْسَهُ فِي هَوَى نَفْسِهِ فَقَدْ أَشْرَكَ نَفْسَهُ فِي قَتْلِ نَفْسِهِ؛ نفس آدمی بر بی ادبی سرشته شده است و بنده فرمان دارد که پایبند ادب نیکو باشد. نفس آدمی با طینت خود در میدان مخالفت می تازد و بنده می کوشد آن را از خواسته ناروایش برگرداند، پس هرگاه عنان نفس را رها سازد، شریک تبهکاری اوست و هر کس نفس خود را در خواهش هایش یاری رساند، در قتل خود همدستِ نفس شده است.

(مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۱، ص ۱۳۸ - مشکاه الانوار فی غرر الاخبار ص ۲۴۷)

امام علی علیه السلام: عَلَیْكُمْ بِالْأَدَبِ، فَإِنْ كُنْتُمْ مُلُوكًا بَرَزْتُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ وَسَطًا فَقُتُمْ، وَ إِنْ أَعْوَزَتْكُمْ الْمَعِيشَةُ عَشْتُمْ بِأَدَبِكُمْ؛ ادب بیاموزید، زیرا که [در این صورت] اگر پادشاه باشید، برجسته می‌شوید، اگر میانه باشید، سرآمد می‌شوید و اگر تنگ‌دست باشید، با ادب‌تان گذران زندگی می‌کنید. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۰، ص ۳۰۴، ح ۴۸۳)

امام علی علیه السلام: كَفَاكَ مُؤَدِّبًا لِنَفْسِكَ تَجَنُّبُ مَا كَرِهَتْهُ مِنْ غَيْرِكَ؛ برای ادب آموزی ات همین بس که از آنچه از دیگران نمی‌پسندی، دوری کنی. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۴۷، ح ۵۰۸۹)

امام علی علیه السلام: أَدَّبْتُ نَفْسِي فَمَا وَجَدْتُ لَهَا - بَغَيْرِ تَقْوَى الْإِلَهِ مِنْ أَدَبٍ - فِي كُلِّ حَالَاتِهَا وَ إِنْ قَصُرَتْ - أَفْضَلَ مِنْ صَمْتِهَا عَنِ الْكَذِبِ - وَ غَيْبَةِ النَّاسِ أَنْ غَيَبَتْهُمْ - حَرَمَهَا دُؤَالِجَالٍ فِي الْكُتُبِ - إِنْ كَانَ مِنْ فَضَّةٍ كَلَامُكَ يَا - نَفْسُ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ . به ادب و تربیت نفس خود پرداختم و برای آن / ادبی بهتر از تقوای الهی در تمام حالاتش نیافتم و اگر از پس این امر برنیامد / برای آن چیزی بهتر از دم فرو بستن از دروغ نیافتم و از غیبت مردمان، همانا غیبت آنان را / خداوند با عظمت در کتابها حرام کرده است ای نفس، اگر سخن تو / نقره است، سکوت طلاست . (دیوان امیرالمومنین ص ۶۹)

نوف البکالی عن أمير المؤمنين صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ... وَ كَفَى بِالْعَبْدِ أَدَبًا أَلَّا يُشْرِكَ فِي نِعَمِهِ وَ إِرْبِهِ غَيْرَ رَبِّهِ . بنده را همین ادب بس که در نعمتها و نیازش، غیر پروردگارش را شریک نگرداند . (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۹۱، ص ۹۴، ح ۱۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله: إِيَّاكَ أَنْ تَضْحَكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، أَوْ تَمْشِيَ وَ تَتَكَلَّمَ فِي غَيْرِ أَدَبٍ؛ از خندیدن بی تعجب [و بی جا] یا راه رفتن و سخن گفتن بی ادبانه بپرهیز. (أعلام الدین فی صفات المؤمنین ص ۲۷۳)

امام علی علیه السلام: لَا تَصْفُو الْخِلَّةَ مَعَ غَيْرِ أَدِيبٍ؛ دوستی با شخص بی ادب، صمیمانه نخواهد شد. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۴۳۴، ح ۹۹۱۲)

امام علی علیه السلام: فَكُونُوا أَقْلًا مَا يَكُونُونَ فِي الْبَاطِنِ أَمْوَالًا، أَحْسَنَ مَا يَكُونُونَ فِي الظَّاهِرِ أَمْوَالًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَدَبَ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ الْعَارِفِينَ أَدَبًا حَسَنًا، فَقَالَ جَلَّ مِنْ قَائِلٍ:

يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا؛ در حالی که در واقع از کمترین مال برخوردار هستید، در ظاهر بهترین حال را از خود نشان دهید؛ زیرا خداوند متعال، بندگان با ایمان با معرفتش را این گونه نیکو ادب نموده که [در وصف فقیران پارسا] فرموده است: شخص بی خبر آنان را از شدت خویشتنداری توانگر می پندارد. ایشان را از نشانه هایشان می شناسی، با اصرار (چیزی) از مردم نمی خواهند. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۷۵، ص ۸، ح ۶۳)

امام حسن عسکری علیه السلام: لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرْحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ؛ شادی کردن در حضور غمگین، از ادب به دور است. (تحف العقول ص ۴۸۹)
امام علی علیه السلام: لَا يَزْأُسُ مَنْ خَلَا عَنِ الْأَدَبِ وَ صَبَا إِلَى اللَّعِبِ؛ کسی که از ادب بی بهره باشد و شیفته بازی شود، به ریاست نمی رسد. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۴۷، ح ۵۰۹۶)

امام علی علیه السلام: جَالِسِ الْعُلَمَاءَ يَزِدُّكَ عِلْمًا وَ يَحْسُنُ آدَبُكَ وَ تَزَكُّ نَفْسُكَ؛ با علما معاشرت کن تا علمت زیاد، ادب نیکو و جانت پاک شود. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۴۳۰، ح ۹۷۹۱)

امام صادق علیه السلام: إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَطْمَعُ فِي عَالِمٍ بَغَيْرِ آدَبٍ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِي عَالِمٍ بِآدَبٍ، فَتَأَدَّبُوا وَ إِلَّا فَانْتُمُ أَعْرَابٌ؛ شیطان، در عالم بی بهره از ادب بیشتر طمع می کند تا عالم برخوردار از ادب. پس ادب داشته باشید و گر نه شما، بی ابانی (فاقد تمدن) هستید. (اعلام الدین فی صفات المومنین ص ۹۶)

امام علی علیه السلام: عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُحْصِيَ عَلَى نَفْسِهِ مَسَاوِيَهَا فِي الدِّينِ وَ الرِّأْيِ وَ الْأَخْلَاقِ وَ الْأَدَبِ، فَيَجْمَعُ ذَلِكَ فِي صَدْرِهِ أَوْ فِي كِتَابٍ وَ يَعْمَلُ فِي إِزَالَتِهَا؛ بر عاقل است که بدیهایش را در دین، اندیشه، اخلاق و ادب یادداشت کند و به خاطرش بسپارد و برای از بین بردن آنها بکوشد. (بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۷۵، ص ۶، ح ۵۸)

امام علی علیه السلام: تَحَرَّى الصَّدْقِ وَ تَجَنَّبُ الْكَذِبِ أَجْمَلُ سِيمَةٍ وَ أَفْضَلُ آدَبٍ؛ راستگو بودن و پرهیز نمودن از دروغ، زیباترین اخلاق و بهترین ادب است. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۱۷، ح ۴۲۹۴)

امام صادق علیه السلام: إِنَّ أُجِّلْتَ فِي عُمْرِكَ يَوْمَيْنِ فَاجْعَلْ أَحَدَهُمَا لِادِّبِكَ لِتَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى يَوْمِ مَوْتِكَ. فَقِيلَ لَهُ: وَمَا تِلْكَ الْإِسْتِعَانَةُ؟ قَالَ: تُحْسِنُ تَدْبِيرَ مَا تُخَلِّفُ وَتُحْكِمُهُ؛ اِغْرُ در عُمرت دو روز مهلت داده شدی، یک روز آن را برای ادب خود قرار ده تا از آن برای روز مُردنت کمک بگیری. به امام گفته شد: این کمک گرفتن چگونه است؟ فرمودند: به این که آنچه را از خود برجا می‌گذاری، خوب برنامه‌ریزی کنی و محکم‌کاری نمایی. (کافی ط - الاسلامیه) ج ۸، ص ۱۵۰، ح ۱۳۲

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجَرِ وَمَنْ تَعَلَّمَ وَهُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ؛ کسی که در جوانی (و نوجوانی) چیزی را فراگیرد همچون مطلبی است که بر سنگ ترسیم می‌شود و کسی که در بزرگسالی چیزی را فراگیرد همچون نقشی است که بر آب زنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نگاهشان به چند کودک افتاد و فرمودند: وای بر فرزندان آخرالزمان از دست پدران! عرض شد: ای پیامبر خدا علیه السلام! آیا از دست پدران مشرکشان؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: لَا، مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرِءٌ. (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نگاهشان به چند کودک افتاد و فرمودند: وای بر فرزندان آخرالزمان از دست پدران! عرض شد: ای پیامبر خدا علیه السلام! آیا از دست پدران مشرکشان؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نه، بلکه از دست پدران مؤمنشان که هیچ یک از واجبات دینی را به آنان نمی‌آموزند، و چون فرزندان را، خودشان، بخواهند بیاموزند، آنان را باز می‌دارند، و در برابر آن به بهره‌ای اندک از دنیا خرسند می‌شوند. من با چنین پدرانی بیگانه‌ام و آنان نیز با من بیگانه‌اند.

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: ... عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ بِرَأْيِهَا ... (الخصال، ج ۲، ص ۶۱۴) امام امیرمؤمنان علی علیه السلام: به کودکان خود، آنچه را خداوند سودمندشان قرار داده است، بیاموزید تا مُرْجَةُ با اندیشه خویش بر آنان چیره نشوند.

تعلیم و تعلّم قرآن

وَيُعَلِّمُهُ الْقُرْآنَ از جمله حقوق فرزند بر پدر تعلیم قرآن است
سپس امام (علیه السلام) از میان تمام آداب و تعلیمات به تعلیم قرآن توجه کرده و بر آن تأکید می کند. چرا که قرآن مجموعه بی نظیری است که تمام درس های زندگی مادی و معنوی در آن جمع است. توحید و معاد به صورت گسترده در آن تجلی می کند، بخش مهم احکام الهی در آن بیان شده و دستورات اخلاقی اش فوق العاده مؤثر و پربار است و تاریخ عبرت انگیز انبیاء پیشین نیز در جای جای آن دیده می شود. آری باید قبل از هر چیز به فرزندان قرآن تعلیم داد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: اَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ فرزندان خود را به کسب سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبران و دوستی خاندانش و قرائت قرآن. (قاموس قرآن، المقدمة، ص ۲)
عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ عَلَّمَ وَلَدًا لَهُ الْقُرْآنَ قَلَّدَهُ اللَّهُ قِلَادَةً يُعْجَبُ مِنْهَا الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (کنز العمال: ۲۳۸۶) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به فرزند خود قرآن را آموزش دهد، خداوند گردنبنندی به گردن او آویزد که در روز قیامت همگان از آن شگفت زده شوند.

قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله: مَنْ عَلَّمَ وَلَدَهُ الْقُرْآنَ فَكَأَنَّمَا حَجَّ الْبَيْتَ عَشْرَةَ آلَافِ حُجَّةٍ وَ اعْتَمَرَ عَشْرَةَ آلَافِ عَمْرَةٍ وَ اعْتَقَ عَشْرَةَ آلَافِ رَقِيَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَ ... پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به فرزند خود قرآن بیاموزد مثل این که ده هزار حج و ده هزار عمره انجام داده و ده هزار بنده از اولاد اسماعیل را آزاد کرده و در ده هزار گروه شرکت کرده و ده هزار مسکین گرسنه را طعام داده است. (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۹۰)

قال الامام الصادق عليه السلام: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ يَسْ فَانْهَاجُ رِيحَانَةَ الْقُرْآنِ. امام صادق علیه السلام فرمود: به فرزندان خود سوره مبارکه یس را بیاموزید که آن ریحانه قرآن است. (جامع الاخبار، ج ۱، ص ۲۱۱)

قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله: خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ. بهترین شما کسی است که قرآن را فرا گیرد و به دیگران بیاموزد. (مستدرک الوسائل ۴/۲۳۵)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ عَلَّمَ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى، كَانَ لَهُ أَجْرُهَا مَا تُلِيَتْ . هر که آیه ای از کتاب خدا را به دیگری بیاموزد، پاداش آن آیه، تا زمانی که خوانده می شود به او نیز می رسد . (مستدرک الوسائل ۴/۲۳۵)

قال علي عليه السلام : تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ ؛ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ . قرآن را فرا گیرید، زیرا که قرآن نیکوترین سخن هاست . (نهج البلاغه خطبه ۱۱۰)

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ، وَ تَعَلَّمُوا غَرَائِبَهُ وَ غَرَائِبُهُ فَرَائِضُهُ وَ حُدُودُهُ، فَإِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى خَمْسَةِ وُجُوْهٍ: حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ مُحْكَمٍ وَ مُتَشَابِهٍ وَ أَمْثَالٍ، فَاعْمَلُوا بِالْحَلَالِ، وَ دَعُوا الْحَرَامَ، وَاعْمَلُوا بِالْمُحْكَمِ، وَ دَعُوا الْمُتَشَابِهَ، وَاعْتَبِرُوا بِالْأَمْثَالِ . (بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۸۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن و شگفتیهایی قرآن و مفاهیم آن را بیاموزید. مفاهیم قرآن همان واجبات و حدود آن است، زیرا قرآن برینج وجه نازل شده است: حلال و حرام و محکم و متشابه و ضرب المثلها، به حلال قرآن عمل کنید، و حرام را رها کنید، به محکمت عمل کنید و متشابه آن را واگذارید و از ضرب قرآن رَسُوْلُ اللَّهِ -صلي الله عليه وآله: مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ فَلَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَ أَثَرَ عَلَيْهِ حُوبُ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا، اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ -تعالى وَ كَانَ فِي الدَّرَجَةِ مَعَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى الَّذِينَ يَنْبِذُونَ كِتَابَ اللَّهِ -وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ . (جامع الاخبار و الآثار، ج ۱، ص ۲۲۱) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که قرآن را بیاموزد و به آن عمل نکند و دنیا دوستی و زینت آن را بر قرآن ترجیح دهد سزاوار خشم خداوند است، و در ردیف یهود و نصاری قرار خواهد داشت که کتاب خدا را پشت سر انداختند.

عن معاذ قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله ، يقول: ما من رجل علم ولده القرآن الا تَوَجَّ اللَّهُ أبويه يوم القيامة تاج الملك، و كيسا حلتين لم ير الناس مثلهما. (۲۰۸ - وسائل الشيعة، ابواب قراءة القرآن، باب ۱، ح ۸) از معاذ روایت شده است که گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هر کسی به فرزندش قرآن تعلیم دهد، خداوند متعال در قیامت، والدین او را به تاج پادشاهی تاجدار می کند و بر آن دو، جامه ای می پوشاند که هیچ کسی مثل آنها را ندیده است.

عن علي عليه السلام : اِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: خِيَارَكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عِلْمُهُ. (۲۰۸ - وسائل الشيعة، ابواب قراءة القرآن، باب ۱، ح ۶) امیرالمؤمنین علیه السلام روایت

کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد.

عن النبی صلی الله علیه و آله قال: أفضل العبادة قراءة القرآن. (۲۰۸ - وسائل الشیعة، ابواب قراءة القرآن، باب ۱، ح ۱۰) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: بهترین عبادت، خواندن قرآن است.

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ينبغي للمؤمن أن لا يموت حتى يتعلم القرآن، أو يكون في تعليمه. (۲۰۸ - وسائل الشیعة، ابواب قراءة القرآن، باب ۱، ح ۴) امام صادق علیه السلام می فرماید: سزاوار است که مؤمن هنگام مرگ، یا در حال یاد گرفتن قرآن و یا در حال یاد دادن آن باشد.

عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: و تعلموا القرآن فإنه ربيع القلوب، و استشفعوا بنوره فإنه شفاء الصدور، و أحسنوا تلاوته فإنه أنفع. (۲۱۲ - نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰) علی علیه السلام می فرماید: قرآن را یاد بگیرید که بهار دلهاست، و نیکو آن را تلاوت کنید که سودمندترین چیز برای شما قرآن است.

۲۱ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ حَرْفًا ظَاهِرًا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ، وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، قَالَ لَا أَقُولُ بِكُلِّ آيَةٍ، وَ لَكِنْ بِكُلِّ حَرْفٍ بَاءً، أَوْ تَاءً أَوْ شِبْهَهُمَا. (جامع الاخبار، ج ۱، ص ۲۱۳) امام صادق علیه السلام فرمود: اگر کسی از قرآن يك حرف بیاموزد، خداوند برای او ده حسنه می نویسد، و ده گناه از او می بخشد، و ده درجه او را بالا می برد، فرمود: نمی گویم، در مقابل هر آیه، بلکه در مقابل هر حرفی مانند «باء» یا «تا» یا همانند آنها.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلي الله عليه و آله: إِنَّ أَرْدُتُمْ عَيْشَ السُّعْدَاءِ، وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ، وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحَشْرِ، وَ الظَّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ، وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ، فَادْرِسُوا الْقُرْآنَ، فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ، وَ حِرْزُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ. (جامع الاخبار و الآثار، ج ۱، ص ۲۱۰) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر خواستار زندگی سعادت‌مندان، و مرگ شهیدان و نجات روز محشر، و سایه در روز قیامت و هدایت در روز گمراهی هستید پس قرآن بیاموزید، زیرا آن گفته خدای مهربان و ایمنی از شیطان و موجب برتری و وزنه خوبیهای شما است.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رُبِيعُ الْقُلُوبِ، وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ، فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ، وَاحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ. (جامع الاخبار والآثار، ج ۱، ص ۲۱۱) حضرت علی علیه السلام فرمود: قرآن را بیاموزید که نیکوترین گفتار است، و در آن دانا و آگاه شوید که بهار دلهاست و از نور آن شفا بخواهید، که شفا بخش دلهاست، آن را خوب بخوانید چون مفیدترین قصه هاست.

۲۴ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ، أَوْ يَكُونَ فِي تَعَلُّمِهِ. (بحار الأنوار ج ۹۲، ص ۱۸۹) امام صادق علیه السلام فرمود: شایسته است که انسان مؤمن نمیرد تا قرآن را بیاموزد یا در حال آموزش آن باشد.

قال الصادق عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ، حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ، أَوْ يَكُونَ فِي تَعَلُّمِهِ. شایسته است که مؤمن از دنیا نرود، مگر آن که قرآن را فرا گیرد و یا در حال آموختن آن باشد. (اصول کافی ۶۰۷/۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَرَحَهُ فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعَى بِالْأَبْوَيْنِ فَيُكَسِّيَانِ خُلَّتَيْنِ يُضِيءُ مِنْ نُورِهِمَا وَجْهَهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ هر کس فرزندش را ببوسد، خداوند عزوجل برای او ثواب می نویسد و هر کسی که او را شاد کند، خداوند روز قیامت او را شاد خواهد کرد و هر کس قرآن به او بیاموزد، پدر و مادرش دعوت می شوند و دو لباس بر آنان پوشیده می شود که از نور آنها، چهره های بهشتیان نورانی می گردد. (کافی-الاسلامیه ج ۶، ص ۴۹)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا وَ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ مُتَّعَمِدًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولًا يُسَلِّطُ اللَّهُ عَلَيْهِ بِكُلِّ آيَةٍ نَسِيَهَا حَيَّةٌ تَكُونُ قَرِينَتَهُ إِلَى النَّارِ إِلَّا أَنْ يُغْفَرَ لَهُ. (بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۸۷) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: توجه! توجه! کسی که قرآن را یاد بگیرد بعد بطور عمد (به خاطر سهل انگاری) فراموش کند روز قیامت دست و پا بسته خدا را ملاقات می کند، و خدا در مقابل هر آیه ای که فراموش کرده ماری بر او مسلط می کند که تا آتش جهنم همراه او خواهد بود مگر اینکه آمرزیده شود.

در حدیثی از اصبع بن نباته می خوانیم که می گوید: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَهْمُهُمْ بِعَذَابِ أَهْلِ الْأَرْضِ جَمِيعاً حَتَّى لَا يَخَاشَى مِنْهُمْ أَحَدٌ إِذَا عَمِلُوا بِالْمَعَاصِي وَاجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَى الشَّيْبِ نَاقِلِي أَقْدَامِهِمْ إِلَى الصَّلَوَاتِ وَالْوِلْدَانِ

يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ رَحِمَهُمْ فَأَخَّرَ ذَلِكَ عَنْهُمْ؛ خداوند گاه اراده می کند همه اهل زمین را هلاک کند و يك نفر را باقی نگذارد و این در زمانی است که غرق گناهان می شوند و آلوده انواع معاصی. هرگاه در این زمان پیرمردانی را ببیند که (لنگان لنگان) به سوی نماز (در مسجد) گام برمی دارند و کودکانی که مشغول فراگرفتن قرآن اند به آن ها رحم می کند و عذابشان را به تأخیر می اندازد». (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۸۰)

عن معاذ قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله ، يقول: ما من رجل علّم ولده القرآن الا توجّ الله أبويه يوم القيامة تاج الملك، و كيسا حلتين لم يرالناس مثلهما. از معاذ روایت شده است که گفت: از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله شنیدم که فرمود: هر کسی به فرزندش قرآن تعلیم دهد، خداوند متعال در قیامت، والدین او را به تاج پادشاهی تاجدار می کند و بر آن دو، جامه ای می پوشاند که هیچ کسی مثل آنها را ندیده است.

(وسائل الشیعه، ابواب قراءة القرآن، باب ۱)

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ينبغي للمؤمن أن لا يموت حتى يتعلّم القرآن، أو يكون في تعليمه. امام صادق عليه السلام می فرماید: سزاوار است که مؤمن هنگام مرگ، یا در حال یاد گرفتن قرآن و یا در حال یاد دادن آن باشد. (وسائل الشیعه، ابواب قراءة القرآن، باب ۱)

رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ عَلَّمَ رَجُلًا الْقُرْآنَ فَهُوَ مَوْلَاهُ ، لَا يَخْذُلُهُ وَ لَا يَسْتَأْثِرُ عَلَيْهِ . (كنز العمال : ۲۳۸۲) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : هر کس به مردی قرآن بیاموزد، مولای اوست و آن مرد نباید او را تنها و بی یار گذارد و خود را بر وی ترجیح دهد.

و عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ عَلَّمَ عَبْدًا آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَهُوَ مَوْلَاهُ ، لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَخْذُلَهُ وَ لَا يَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ، فَإِنْ هُوَ فَعَلَهُ قَصَمَ عُرْوَةَ مِنْ عَزَى الْإِسْلَامِ . هر کس آیه ای از کتاب خدا را به بنده ای بیاموزد، مولای اوست و شایسته نیست که آن بنده، او را تنها و بی یاور گذارد و خود را بر او ترجیح دهد؛ که اگر چنین کند، حلقه ای از حلقه های اسلام را پاره کرده است. (میزان الحکمه نویسنده : محمد محمدی ری شهری جلد : ۹ صفحه : ۳۳۸)

احادیث دیگری در باب حق فرزند بر پدر

عنه صلى الله عليه وآله : حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ ، وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ . (کنز العمال : ۴۵۱۹۲) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : حَقُّ فرزند بر پدر این است که نام خوبی برایش انتخاب کند، و او را نیکو تربیت کند.

رسولُ الله -صلى الله عليه وآله : حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ ، وَ السَّبَاحَةَ ، وَ الرَّمَايَةَ ، وَ أَنْ لَا يَرْزُقَهُ إِلَّا طَيِّبًا . (کنز العمال : ۴۵۳۴۰) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : حَقُّ فرزند بر پدرش این است که او را سواد و شنا و تیراندازی بیاموزد و جز روزی حلال خوراک او نکند.

عنه صلى الله عليه وآله : حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ ، وَ يُزَوِّجَهُ إِذَا أَدْرَكَ ، وَ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَ . (کنز العمال : ۴۵۱۹۱) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : حَقُّ فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برایش انتخاب کند، هر وقت بالغ شد، او را همسر دهد، و بدو قرآن بیاموزد.

عنه صلى الله عليه وآله : مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ ثَلَاثَةٌ : يُحَسِّنُ اسْمَهُ ، وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ ، وَ يُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ . (مکارم الأخلاق : ۱/۴۷۴/۱۶۲۷) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : از جمله حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: برایش نام خوب انتخاب کند، سواد به او بیاموزد و هر گاه به سن بلوغ رسید، او را همسر دهد.

عنه صلى الله عليه وآله - لَمَّا سُئِلَ عَنْ حَقِّ الْوَلَدِ - : تُحَسِّنُ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ ، وَ تَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا . (بحار الأنوار : ۹۹/۸۵/۷۴) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - در پاسخ به سؤال از حَقُّ فرزند - فرمود : نام نیکو بر او بگذاری و خوب تربیتش کنی و شغل و حرفه خوبی به او بیاموزی.

عنه صلى الله عليه وآله : حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ ، وَ يُحَسِّنَ مَوْضِعَهُ ، وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ . (کنز العمال : ۴۵۱۹۳) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : حَقُّ فرزند بر پدرش این است که نام خوب بر او بنهد و حرفه خوبی به او بیاموزد و خوب تربیتش کند.

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ بَلَغَ وَلَدُهُ النِّكَاحَ وَ عِنْدَهُ مَا يُنِكَحُهُ فَلَمْ يُنِكَحْهُ ثُمَّ أَحْدَثَ حَدَثًا فَالِإِثْمُ عَلَيْهِ . (کنز العمال : ۴۵۳۳۷) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : هر که فرزندش به

سنّ ازدواج برسد و توانایی مالی داشته باشد که او را همسر دهد و ندهد و از آن فرزند خطایی سرزند، گناهش به گردن اوست.

الإمام الصادق عليه السلام: تَجِبُ لِلْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: اخْتِيَارُهُ لِوَالِدَتِهِ، وَ تَحْسِينُ اسْمِهِ، وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ. (بحار الأنوار: ۶۷/۲۳۶/۷۸) امام صادق عليه السلام: فرزند سه حق بر گردن پدرش دارد: مادر خوبی برایش انتخاب کند، نام نیکویی بر او بگذارد و در تربیت او بکوشد.

امیرمؤمنان از پیامبر صلی الله علیه و آله: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَ الرِّمِيَةَ. (وسائل الشیعه - جلد ۱۵ - ص ۱۹۴) فرزندان خود را شنا و تیراندازی تعلیم دهید. جابر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند: عَلِّمُوا بَنِيكُمْ الرَّمْيَ، فَإِنَّهُ نَكَايَةُ الْعَدُوِّ. (کنز العمال - جلد ۱۶ - ص ۴۴۳). به فرزندان خود تیراندازی یاد دهید که این عمل خود سرکوب کردن دشمنان و پیروزی بر آنهاست. حضرت علی علیه السلام فرمود: مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ. (کنز العمال ج ۱۶ ص ۵۴۸). فرزندان را به طلب دانش برانگیزید.

روزی پیامبر اکرم به ابورافع که (می خواست ثروتش را در راه خدا انفاق کند) فرمود: كَيْفَ بِكَ يَا أَبَا رَافِعٍ إِذَا افْتَقَرْتَ. قَالَ: أَفَلَا أَتَقَدَّمُ فِي ذَلِكَ؟ قَالَ: بَلَى قَالَ: مَا لَكَ؟ قَالَ: أَرْبَعُونَ أَلْفًا وَ هِيَ لِي. قَالَ: لَا. أَعْطِ بَعْضًا وَ أَمْسِكْ بَعْضًا، وَ أَصْلِحْ إِلَى وَلَدِكَ. قَالَ أَوَّلَهُمْ عَلَيْنَا حَقٌّ كَمَا لَنَا عَلَيْهِمْ؟ قَالَ: نَعَمْ. حق الولد على الوالد أن يَعْلِمَهُ كتاب الله، الرَّمْيَ وَ السَّبَاحَةَ. (کنز العمال - جلد ۱۶ - ص ۴۴۴). ای ابو رافع، زمانی که فقیر شوی چه خواهی کرد؟ ابورافع گفت: عرض کردم آیا در انفاق پیشی بخویم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری، بفرست. سپس فرمود: دارایی ات چقدر است؟ عرض کردم: چهل هزار و همه اش را در راه خدا می دهم. پیامبر فرمود: نه چنین نکن، بلکه قسمتی از آن را در راه خدا انفاق کن و قسمتی دیگر را نگه دار و خرج فرزندان خود کن. ابورافع پرسید؟ آیا همان گونه که ما بر آنها حق داریم آنها هم بر ما حقی دارند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حق فرزند بر پدر آن است که او را با کتاب خدا آشنا سازد و تیراندازی و شنا به او بیاموزد

امام علی علیه السلام: لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِرِّمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ (شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ح ۱۰۲). آداب و رسوم خود را به فرزندان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند.

عقوق متقابل فرزند و پدر و مادر

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) آمده است: **يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْعُقُوقِ لِوَلَدِهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَلَدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا**. همانطوری که فرزندان عاق پدر و مادر میشوند پدر و مادر هم ممکن است عاق فرزندان شوند. «پدر و مادری که حقوق فرزند را رعایت نکنند و از عهده ی حقوق فرزند بر نیاید نیز عاق فرزند میشود»

نکته ۱. چه حقوقی پدر و مادر بر فرزندان دارند؟ که باید فرزندان رعایت کنند.

آنچه در این کلام حکیمانه امام (علیه السلام) آمد در واقع اشاره به مهمترین حقوق پدران و مادران بر فرزندان است و در روایات اسلامی حقوق متعدد دیگری نیز برای آن ها ذکر شده است از جمله: ۱. هیچ گاه پدر را با نام خطاب نکنند. بلکه بگویند «یا ابتاه؛ پدر جان» زیرا خطاب بزرگ تر با اسم توسط کوچکتر، خلاف آداب است. ۲. به هنگام راه رفتن از او جلوتر نرود. ۳. به هنگام ورود در مجلس پیش از او ننشینند. ۴. کاری نکنند که مردم پدرش را دشنام دهند یا لعن کنند. این چهار موضوع در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در پاسخ سؤالی درباره حق پدر بر فرزند ذکر شده است: **(لَا يَسْمِيهِ بِاسْمِهِ وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَلَا يَسْتَسِبُّ لَهُ)**. «یستسب» از ماده «سب» به معنای طلب کردن سب و دشنام و لعن برای کسی است. ۵. هنگامی که پدر عصبانی می شود عکس العمل نشان ندهد و تواضع و خشوع کند. همان گونه که در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل شده است: **«مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ أَنْ يَخْشَعَ لَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ»**. ۶. تشکر کردن در هر حال و خیرخواه آن ها بودن در آشکار و پنهان. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: **«يَجِبُ لِلْوَالِدَيْنِ عَلَى الْوَلَدِ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ شَكَرُهُمَا عَلَى كُلِّ حَالٍ ... وَ نَصِيحَتُهُمَا فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ»**. ۷. توجه به این نکته که پدر (و مادر) اصل و ریشه انسان هستند. بنابراین هرگاه امتیازی در خود ببینند باید بداند اساس این نعمت از آن هاست پس خدا را شکرگزاری کند. **(فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهٗ أَصْلُكَ وَ أَنَّهٗ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَمَهْمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يَعْجِبُكَ فَأَعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النُّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ فَأَحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ)**. و شاید به همین دلیل خداوند شکرگزاری در برابر پدر و مادر را به دنبال شکرگزاری نعمت های خود ذکر کرده است: **(أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ)**. ۸. احسان و نیکی به پدر و مادر. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که بعضی از یاران آن

حضرت درباره تفسیر آیه شریفه (وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا) سؤال کردند که مراد از احسان چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: «الْإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا وَأَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ وَ إِنْ كَانَا مُسْتَغْنَيْنِ؛ برخورد خود را با آن ها نیکو کن و اگر چیزی نیاز داشتند پیش از آن که از تو بخواهند برای آن ها فراهم کن تا ناچار نشوند از تو درخواست کنند هر چند خودشان هم بتوانند مشکل خویش را حل کنند». ۹. اگر آن ها بدهکاری دارند و در حیات خود نتوانستند دین خویش را ادا کنند فرزند دین آن ها را ادا کند و برای گناهان آن ها استغفار نمایند همان گونه که در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: «وَ إِنَّهُ لَيَكُونُ عَاقًا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا غَيْرَ بَارٍ بِهِمَا فَإِذَا مَاتَا قَضَى دَيْنَهُمَا وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَارًا؛ گاه فرزند در حیات پدر و مادر عاق آنهاست و نیکی در حق آن ها نکرده اما بعد از وفات آن ها بدهی آن ها را ادا می کند و برای آن ها استغفار می نماید. خدا او را جزء نیکوکاران (نه عاق) محسوب می دارد». ۱۰. یکی دیگر از حقوق مهم پدران و مادران بر فرزندان این است که به هنگام ضعف و پیری و ناتوانی که نیاز شدید به کمک و حمایت دارند آن ها را فراموش نکنند و مشکلات آن ها را تا آن جا که در توان دارند حل کنند به عکس آنچه در دنیای امروز دیده می شود که به محض این که پدر و مادر پیر و ناتوان شدند فرزندان از آنان فاصله می گیرند و حداکثر کاری که درباره آن ها می کنند این است که آن ها را به خانه های سالمندان می سپارند و گاه حتی از این کار نیز خودداری می کنند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که یکی از یارانش خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد: پدرم بسیار پیر و ناتوان شده به گونه ای که برای قضای حاجت باید او را بر دوش بگیریم. امام (علیه السلام) فرمود: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَتْلَى ذَلِكَ مِنْهُ فَأَفْعَلْ وَ لَقْمُهُ بِيَدِكَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ لَكَ غَدًا؛ اگر توانستی این کار را برای او انجام دهی انجام ده حتی لقمه غذا را با دست خود به دهان او بگذار که این کار سپری است برای تو در فردای قیامت (در برابر آتش دوزخ)». قرآن مجید نیز اشاره ای به این امر دارد آن جا که می فرماید: «(إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا)؛ هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن ها روا مدار! و بر آن ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و

بزرگوارانه به آن ها بگو! (و مشکلات آن ها را حل کن)». [که هریک از حقوق پدر و مادر رعایت نشود موجب حقوق فرزندان میشود]

نکته ۲. چه حقوقی فرزندان بر پدر و مادرها دارند؟ که باید پدر و مادرها رعایت کنند .
در روایات اسلامی همان گونه که موارد فراوانی از حقوق پدران و مادران بر فرزندان ذکر شده موارد زیادی نیز از حقوق فرزندان بر پدران و مادران بیان گردیده است که سه قسمت مهم آن را امام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در گفتار حکیمانه مورد بحث بیان فرموده است: ۱. اسم نیکو نهادن، ۲. تربیت خوب . ۳. و تعلیم قرآن. و در روایات دیگر نیز، حقوق دیگری نیز ذکر شده است ؛ از جمله : الف . خواندن و نوشتن را به آن ها بیاموزند. ب . شنا و تیراندازی را به آن ها تعلیم دهند. (شنا برای جلوگیری از غرق شدن و تیراندازی برای جهاد). ج . غذای حلال به او بدهند. این سه حق در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمود: «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَالسِّبَاخَةَ وَالرِّمَاءَ وَأَنْ لَا يَرْزُقَهُ إِلَّا طَيِّبًا». د . به هنگام بلوغ (و آمادگی برای ازدواج) وسیله ازدواج او را فراهم کنند. چنانکه در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می خوانیم که : یکی از حقوق فرزندان این است که «يُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ». هـ . نماز (و فرائض دینی) را به آن ها بیاموزند (و آن ها را به تدریج عادت دهند) و هنگامی که بالغ شدند آن ها را وادار به نماز کنند. چنانکه در غررالحکم از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده است که : «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ». و . عدالت را در میان فرزندان رعایت کنند. چنانکه در حدیثی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که : پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) مردی را دید که دو فرزند دارد، یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «فَهَلَّا وَاسَيْتَ بَيْنَهُمَا؛ چرا میان آن ها عدالت را رعایت نکردی؟». ز . به فرزندان در کارهای نیک کمک کنند (و آن ها را تشویق نمایند). چنانکه در روایات متعددی که مرحوم محدث نوری در مستدرک الوسائل نقل کرده به این معنا توصیه شده از جمله این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود : «رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَغَانَا وَلَدَهُمَا عَلَى بَرِّهِمَا». خداوند رحمت کند پدر و مادری را که فرزند را بر نیکی به خود یاری کنند . [که هریک از حقوق فرزندان رعایت نشود موجب حقوق پدر و مادرها میشود]

کتابهای چاپ شده از تهیه کننده این کتاب:

مبانی اسلام «شرح حدیث بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ از امام باقر علیه السلام»، بانوان و جامعه امروز «شرح حدیث كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ»، قصه های قرآنی «شرح حال مختصر پیامبران در آیات قرآنی»، مردان و زنان با فضیلت «شرح آیه ۳۵ سوره احزاب»، هفت پایه اسلام «شرح حدیث شریف قَوَاعِدُ الْإِسْلَامِ سَبْعَةٌ از امام علی علیه السلام»، چهار پایه دین و دنیا «شرح حدیث قِوَامُ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ از امام علی علیه السلام»، شرح حدیث شریف سلسله الذهب از امام رضا علیه السلام در باب توحید و امامت و...، ذکر خدا «دعاهای مورد نیاز مؤمنین در طول هفته» مکالمات عربی، شهر رمضان «در باب اعمال و دعاهای ماه مبارک رمضان»، حدیث زیارت، کتاب مختصر دعاهای ماه رجب، شعبان و رمضان، زیارتنامه امام رضا علیه السلام، روضه های محرم و صفر، همراه زائرین عتبات عالیات، همراه زائرین مشهد الرضا علیه السلام، همراه زائرین حضرت معصومه، شاه عبدالعظیم و شاه چراغ علیهم السلام، همراه زائرین مکه و مدینه «برای آشنائی زائرین با عربستان، مکه، مدینه و مختصر مناسک حج و عمره»، مجموعه اشعار باقری، پرسشها و پاسخهای حقوقی، مواعظ حسنه، چننه حکایات باقری، کشکول حکایات باقری، کشکول اشعار باقری، کشکول مواعظ باقری، کشکول مدایح و مراثی باقری، کشکول ضرب المثلها، بزرگان علم و دین، مردان و زنان با فضیلت، آداب اسلامی، وظایف انسانی، توصیه های اخلاقی، احادیث مناسبتها، مقالات تاریخی ایران و جهان، شرح حدیث عبدالعظیم حسنی از امام رضا علیه السلام، شرح دعای اَللّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، شرح حدیث إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَ إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا .